

فهرست

پیشگفتار ۸

فصل اول

گفتار اول: اهمیت مسجد در آیات و روایات ۱۲

گفتار دوم: اهمیت مسجد از دیدگاه علما ۱۷

گفتار سوم: وظایف مسلمانان در برابر مسجد ۲۴

الف - عمران مسجد ۲۴

ب - خدمت به مسجد ۲۶

ج - رعایت آداب مسجد ۲۹

۱. طهارت ۳۰

۲. زینت کردن ۳۱

۳. پیاده رفتن به مسجد ۳۲

۴. اخلاص در رفت و آمد ۳۳

۵. ورود با آرامش و وقار ۳۴

۶. نماز تحیت ۳۵

۷. رعایت صفوف نماز جماعت ۳۶

نماز در صف اول ۳۶

صفوف به هم فشرده ۳۶

شانه به شانه بودن نمازگزاران ۳۶

۸. عدم عجله در خارج شدن از مسجد ۳۷

د - توجه به کارکردهای مسجد ۳۹

۱. تربیتی ۳۹

۲. روحی و روانی ۴۰

۳. اجتماعی ۴۱

۷۵	۲. احیای روح اخوت
۷۵	۳. دعوت عمومی
۷۶	۴. خنثی سازی نقشه های دشمن
۷۶	ب - فواید فردی
۷۷	۱. مکانی برای برطرف شدن گرفتاری ها
۷۸	۲. سالم ماندن اهل مسجد از بلاهای آسمانی
۷۹	۳. پناهگاهی در برابر حوادث و گرفتاری ها
۷۹	۴. مرکز یافتن دوستان خوب
۸۱	گفتار چهارم: پاداش اخروی رفتن به مسجد
۸۱	۱. دیدار فرشتگان و آمرزش گناهان
۸۲	۲. شهادت زمین مسجد
۸۲	۳. شفاعت در محشر
۸۳	۴. ثواب شب زنده داری
۸۳	۵. پرچم داری روز قیامت
۸۴	۶. برائت از آتش
۸۵	۷. غوطه ور شدن در رحمت الهی
۸۵	۸. نورانیت فوق العاده در قیامت
۸۵	۹. بهره مندی از سایه عرش خدا
۸۷	گفتار پنجم: عاقبت عدم حضور در مسجد
۸۷	۱. تحریم اجتماعی
۸۹	۲. خدشه دار شدن ایمان
۹۰	۳. نشانه غفلت
۹۳	منابع

۴۴	۴. سیاسی
۴۵	۵. رسانه ای
۴۷	ه. آشنایی با موضوعاتی در مورد مسجد
۴۷	۱. حضور زنان
۴۹	۲. کودک و مسجد
۵۱	۳. همسایه مسجد
۵۲	۴. اهمیت خواندن نماز صبح در مسجد
۵۴	گفتار چهارم: وظایف در قبال دست اندرکاران مسجد
۵۴	الف - امام جماعت
۵۷	ب - خادم

فصل دوم

۶۱	گفتار اول: راز و رمز حضور در مسجد
۶۱	۱. زیارت خانه خدا
۶۳	۲. دعا و راز و نیاز
۶۵	۳. اقامه نماز
۶۷	گفتار دوم: ویژگی های اهل مسجد
۶۹	۱. ایمان
۶۹	۲. الگو و نمونه بودن در جامعه
۷۰	۳. اهل بهشت
۷۰	۴. مانع بودن در برابر نزول عذاب الهی
۷۱	۵. مورد غبطه مردگان
۷۲	۶. محبوب فرشتگان
۷۳	گفتار سوم: فواید دنیوی رفت و آمد به مسجد
۷۳	الف - فواید اجتماعی
۷۴	۱. نمایش همبستگی مسلمانان

پیشگفتار

واژه «مسجد»، در لغت اسم مکان و از ریشه «سَجَدَ»، به معنای سر فرود آوردن و اظهار تذلل و خاکساری است. ابن فارس می نویسد: «سین و جیم و دال، یک معنای اصلی و فراگیر دارد که بر فروتنی و خاکساری دلالت می کند. وقتی گفته می شود «سَجَدَ» که شخص، فروتنی کرده باشد و هر آن که خاکساری کند، سجده کرده است»^۱.

بنابراین در زبان عربی «سجود» به معنای خاکساری و سر فرود آوردن در برابر دیگری است و «مسجد» به معنای مکان چنین کاری است.

مسجد در فرهنگ اسلامی، جایگاه ویژه و ممتازی دارد که در آن، انسان ناتوان و نیازمند، با خضوع و کرنش در برابر عظمت آفریدگار توانا و بی نیاز، با او ارتباط برقرار می کند. البته انسان همه جا می تواند در برابر عظمت الهی سر فرود آورد و از این طریق با وی رابطه برقرار کند؛ ولی بهترین مکان برای رابطه بهتر و خالص تر، مسجد است. مسجد در هر نقطه جهان، خانه خدا و عظیم ترین پایگاه فرهنگی و معنوی و محلی برای سجود و عرض نیاز به درگاه قادر متعال است. به طور قطع می توان گفت، پس از کعبه - که خانه خدا و قبله آمال و آرزوهای مسلمانان است - مسجد مقدس ترین مکان است.

همچنین مسجد پاسدار ارزش ها، بهترین دانشگاه، ارائه دهنده عالی ترین شیوه های تعلیم و تعلم، بهترین مهمانخانه خدا، بهترین شاهد برای نمازگزاران^۲، بهترین خلوتگاه انس، بهترین و محکم ترین سپر در برابر

تهاجم فکری دشمن، بهترین محل ارزش گذاری به اعمال، سالم ترین رسانه، بهترین مکان برای تسریع در امور خیر، بهترین محل بیعت با ولایت، بهترین مکان برای هماهنگی در برابر دشمن خارجی، بهترین محل برای کسب آبرو، بهترین مکان برای انتخاب همکار، همفکر و هم صحبت، عالی ترین مکان برای ایجاد اتحاد جامعه، عالی ترین مکان برای استراحت جسم و جان و ... است. مسجد، تنها مکانی است که فخر فروشی، تکبر، غرور، حرص، خودبزرگ بینی و ... در آن راه ندارد. هر کس با مسجد انس بگیرد، خدا با او انس خواهد گرفت.^۱

مسجد تنها زمینی است که شعور و آگاهی دارد، اهل خود را می شناسد و در روز قیامت برای آنان شفاعت و نسبت به ضایع کنندگانش شکایت می کند. مروری بر سخنان بزرگان دین، نشانگر آن است که احداث مسجد، فلسفه ای جز حضور مردم در آن و بهره گیری از برکات آن ندارد. بنابراین، فرهنگ سازی در جهت حضور هر چه بیشتر مردم در مساجد، به ویژه نسل جوان، باید در رأس همه تلاش های علاقه مندان به تعمیق و گسترش ارزش های اسلامی باشد؛ به همین دلیل، بیشتر رهنمودهای پیشوایان اسلام درباره مسجد، ناظر به این فرهنگ سازی است. اهتمام روایات اسلامی به این فرهنگ سازی تا آن جاست که آباد کردن واقعی مساجد را به حضور مردم در آن، تفسیر می کنند.^۲

گرچه در دهه های اخیر کتاب های پر شماری در حوزه مسجد نوشته شده است، اما جای کتابی مختصر که به بررسی آثار و

۱. رسول خدا ﷺ می فرماید: مَنْ أَلْفَ مَسْجِدًا أَلَّفَهُ اللَّهُ. (عوالی اللالی، ابن ابی جمهور احسانی، ج ۲، ص ۳۲)
۲. کتاب «رواق پرواز» با نگاهی به آسیب شناسی مسجد و بررسی راهکارها، برای استفاده مسئولان فرهنگی، به خصوص روحانیان و مبلغان به رشته تحریر درآمده است.

۱. معجم مقاییس اللغة، احمد بن فارس رازی، ج ۳، ص ۱۳۳.
۲. امالی، محمد بن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، ص ۳۵۹؛ وسائل الشیعه، محمد بن الحسن حر عاملی، ج ۵، ص ۱۸۸؛ روضة الواعظین، محمد بن حسن فتال نیشابوری، ج ۲، ص ۳۳۷.

فواید حضور در مسجد، و عواقب عدم حضور در مسجد، بپردازد خالی بود.

با الطاف و عنایت خداوند متعال این امر محقق گردید و نوشتار حاضر که به صورت خلاصه به آثار حضور در مسجد و پیامدهای عدم حضور در مسجد می‌پردازد، آماده گردید. شایسته است مبلغان گرامی به خصوص امامان جماعت به صورت مرتب آثار و فواید حضور در مسجد را بیان کرده و عاقبت عدم حضور در مسجد را برای مردم مرور نمایند. مسجدی‌ها نیز افزون بر مرور آیات و روایاتی که بر حضور در مسجد تأکید دارد و به برخی از آنان در این کتاب اشاره شده، کتاب حاضر را در اختیار سایر مؤمنان به خصوص افرادی که کمتر با مسجد در ارتباط هستند، قرار دهند.

امید آن که بتوانیم در راه تقویت مساجد، به منزله چراغ هدایت و مرکز تحولات دینی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و ... بکوشیم و با هرگونه افراط و تفریط که به ظلم به مسجد بیانجامد و مؤمنین، به خصوص جوانان را از آن براند و موجبات تضعیف آن را فراهم سازد، مبارزه کنیم.

محمد مهدی فجری

بهار ۱۳۹۱

فصل اول

گفتار اول: اهمیت مسجد در آیات و روایات

مسجد، نخستین خانه توحید،^۱ کانون هدایت و ارشاد،^۲ خانه خدا در زمین^۳ و پایگاه مبارزه با ستم^۴ است. مسجد، محل سجده در پیشگاه با عظمت ذات باری تعالی است و در عظمت و جلال این مکان مقدس همین بس که امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه به در مسجد رسیدی، بدان که حضور در محضر پادشاهی بزرگ را قصد کرده‌ای که به درگاه او ره نمی‌یابند، جز پاکیزگان و اجازه محضر او را نمی‌یابند، جز راستگویان. چنان باوقار به مسجد برو که نزد پادشاه پر شکوه می‌روی. (بدان) در جایگاه بزرگی قرار داری! اگر غفلت کنی بدان که او می‌تواند با تو به عدالت یا به فضل و بخشش رفتار کند. اگر با فضل و رحمتش بنگرد، عبادت کم تو را می‌پذیرد و به خاطر آن عبادت کم، به تو ثواب فراوان می‌بخشد و اگر بخواهد با عدالت رفتار کند [و] راستی و اخلاص را از تو بخواهد، [پس] به حضور [خویش] راهت نمی‌دهد و عبادت‌هایت را - هرچند بسیار - نمی‌پذیرد و او هرچه بخواهد می‌تواند انجام دهد.^۵*

۱. سوره آل عمران، آیه ۹۶.

۲. سوره نور، آیه ۳۶.

۳. امام صادق علیه السلام فرمودند: مکتوب فی الثوراة ان بیوتی فی الأرض المساجد؛ «در تورات نوشته است که خانه من در زمین مساجدند.» (وسائل الشیعه، محمد بن الحسن حر عاملی، ج ۱، ص ۳۸۲)

۴. سوره بقره، آیه ۱۱۴.

۵. إِذَا بَلَغْتَ بَابَ الْمَسْجِدِ فَاعْلَمْ أَنَّكَ قَدْ قَصَدْتَ بَابَ مَلِكٍ عَظِيمٍ لَمَّا يَطَّأُ بِسَاطِئِهِ إِلَّا الْمَطْهُرُونَ وَلَا يُؤَدُّنَ لِمُجَالَسَتِهِ إِلَّا الصَّادِقُونَ فَهَبِ الْقُدُومَ إِلَيَّ بِسَاطِئِهِ هَيِّئَةِ الْمَلِكِ فَإِنَّكَ عَلَيَّ خَطِيءٌ عَظِيمٌ إِنْ غَفَلْتَ فَاعْلَمْ أَنَّهُ قَادِرٌ عَلَيَّ مَا يَشَاءُ مِنَ الْعَدْلِ وَالْفَضْلِ مَعَكَ وَ بِكَ فَإِنْ عَطَفَ عَلَيْكَ بِرَحْمَتِهِ وَ فَضَّلِيهِ قَبْلَ مِنْكَ يَسِيرَ الطَّاعَةِ وَ أَجْزَلَ لَكَ عَلَيْهَا ثَوَابًا كَثِيرًا وَ إِنْ طَالَ بَكَ بِاسْتِحْقَاقِ الصَّدَقِ وَ الْإِخْلَاصِ عَدَلًا بِكَ حَبْنِكَ وَ رَدَّ طَاعَتَكَ وَ إِنْ كَثُرَتْ وَ هُوَ فَعَالَ لَمَّا يُرِيدُ. (مصباح الشريعة، منسوب به امام صادق علیه السلام، ص ۱۳۰؛ بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، محمد باقر مجلسی (علامه مجلسی)، ج ۸۰، ص ۳۷۳)

*. چه زیباست که این روایت بر سر در تمام مساجد نصب شود و مؤمنان با هر بار ورود به مسجد، ارزش این مکان مقدس را یادآور شوند.

در کوی دوست، شوکت شاهی نمی‌خرند

اقرار بندگان و دعوی چاکری
در برخی روایات با تعبیری لطیف، از مسجد با عنوان «بازار آخرت» یاد شده است؛ یعنی همان‌گونه که بازار، محل خرید و فروش کالاهای دنیوی است، مسجد محل کسب امور معنوی و نیز اسبابی است که در سرای آخرت به کار می‌آید.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: الْمَسَاجِدُ سُوقٌ مِنْ أَسْوَاقِ الْآخِرَةِ قَرَاهَا الْمُغْفِرَةُ وَ تُحَفَّتْهَا الْجَنَّةُ؛^۱ «مساجد، بازاری از بازارهای آخرت‌اند. پذیرایی آن، آمرزش، و رهاورد آن، بهشت است.»

از سوی دیگر از آنجا که بیشترین اهتمام انسان مؤمن، متوجه تهیه و تأمین اسبابی است که در سرای آخرت به آن نیاز دارد، شوق و انس وی به بازار آخرت، به مراتب بیشتر از علاقه او به بازارهای دنیا است. بنابراین طبیعی است که مؤمنان، هنگام رفتن به مساجد، سعی کنند بر دیگران پیشی گیرند و هنگام خروج، دیرتر از همه، آنجا را ترک کنند.

در مقابل، اهل دنیا نیز پیش از همه به بازار می‌روند و پس از همه خارج می‌شوند.^۲ امام باقر علیه السلام درباره محبوب‌ترین و مبعوض‌ترین افراد نزد خداوند می‌فرماید:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لِيَجْتَرِبَ أَيْ الْبِقَاعِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى قَالَ الْمَسَاجِدُ وَ أَحَبُّ أَهْلِهَا إِلَيَّ اللَّهُ أَوْلَاهُمْ دُخُولًا إِلَيْهَا وَ آخِرُهُمْ خُرُوجًا مِنْهَا قَالَ فَأَيُّ الْبِقَاعِ أَبْغَضُ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى قَالَ الْأَسْوَاقُ وَ أَبْغَضُ أَهْلِهَا إِلَيْهِ أَوْلَاهُمْ دُخُولًا

۱. امالی، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، ص ۱۳۹؛ شبیه این تعبیر در کشف الأسرار و عدة الأبرار،

رشیدالدین مبینی، ج ۴، ص ۱۰۴ ذکر شده است.

۲. سیمای مسجد، رحیم نوبهار، ج ۱، ص ۳۹.

إِلَيْهَا وَآخِرُهُمْ خُرُوجاً مِنْهَا؛^۱ «رسول خدا ﷺ از جبرئیل پرسید: کدام مکان‌ها نزد خداوند محبوب‌تر است؟ جبرئیل عرض کرد: مساجد و دوست داشتنی‌ترین اهل مسجد نزد خداوند نیز کسی است که پیش از همه به مسجد داخل و پس از همه از مسجد خارج شود. پیامبر ﷺ فرمود: کدام مکان، نزد خداوند مبعوض‌تر است؟ جبرئیل عرض کرد: بازارها و مبعوض‌ترین اهل آن نزد خداوند کسی است که پیش از همه به بازار وارد و پس از همه از آن خارج شود.»

بنابراین مسجد نه فقط مکانی برای عبادت و راز و نیاز، بلکه یک زیارتگاه به شمار می‌رود؛ به همین علت است اولیای دین رفت و آمد به مسجد را دارای ثواب و پاداش بسیاری دانسته و اهل مسجد را زائر خدا معرفی کرده‌اند.

امام حسن علیه السلام می‌فرماید: **أَهْلُ الْمَسْجِدِ زُورُ اللَّهِ وَحَقٌّ عَلَى الْمَزُورِ التُّحْفَةُ لِزَائِرِهِ؛^۲** «اهل مسجد زائران خدایند و بر صاحب‌خانه است که به زائرش تحفه‌ای عطا کند.»

به همین دلیل، علاوه بر رفت و آمد به مساجد مختلف، نشستن در مسجد^۳ مورد تأکید قرار گرفته است.

رسول خدا ﷺ در وصیتی به اباذر می‌فرماید:

۱. **امالی**، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، ص ۱۴۵؛ **الکافی**، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۳، ص ۴۸۹.
 ۲. **ارشاد القلوب**، حسن بن محمد دیلمی، ج ۱، ص ۷۷.
 ۳. البته در سخنان معصومان علیهم السلام از بیهوده نشستن در مسجد نهی شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در وصایای خود به ابوذر می‌فرماید: **يَا أَبَا ذَرٍّ كُلُّ جُلُوسٍ فِي الْمَسْجِدِ لَعْنَةٌ إِلَّا ثَلَاثَةٌ: قِرَاءَةُ مُصَلٍّ أَوْ ذَاكِرٍ لِلَّهِ تَعَالَى أَوْ مَسَائِلٍ عَنْ عِلْمٍ؛** «ای ابوذر! هر نشستن در مسجد لعنت و بیهوده است، مگر در سه مورد: نماز خواندن، ذکر خدا بر لب داشتن، تحصیل علم و گفت‌وگوی علمی.» **(وسایل الشیعه)**، محمد بن الحسن حر عاملی، ج ۴، ص ۱۱۷؛ **الوافی**، محمد بن شاه مرتضی (ملا محسن فیض کاشانی)، ج ۲۶، ص ۱۹۵.

يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ اللَّهَ يُعْطِيكَ مَا دُمْتَ جَالِسًا فِي الْمَسْجِدِ بِكُلِّ نَفْسٍ تَنْفَسَتْ فِيهِ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ وَ تَصَلَّى عَلَيْكَ الْمَلَائِكَةُ وَ يُكْتَبُ لَكَ بِكُلِّ نَفْسٍ تَنْفَسَتْ فِيهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ يُمَحَى عَنْكَ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ؛^۱ «ای ابوذر! تا زمانی که در مسجد نشسته‌ای، خداوند متعال به تعداد هر نفسی که می‌کشی، یک درجه در بهشت به تو می‌دهد و فرشتگان بر تو درود می‌فرستند و برای هر نفسی که در مسجد می‌کشی، ده حسنه برایت نوشته می‌شود و ده گناه از تو پاک می‌گردد.»

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

الْجُلُوسَةُ فِي الْمَسْجِدِ خَيْرٌ لِي مِنَ الْجُلُوسَةِ فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ الْجَنَّةَ فِيهَا رِضَا نَفْسِي وَالْجَامِعَ فِيهِ رِضَا رَبِّي؛^۲ «نشستن در مسجد، نزد من، از نشستن در بهشت نیکوتر است؛ زیرا در بهشت خشنودی من فراهم است و در مسجد خشنودی پروردگار من.»

بنابراین حضور در مسجد نوعی تظاهر برای تعظیم شعائر دینی است. امیر مؤمنان علیه السلام با اینکه به واسطه علم غیب، از ضربت شمشیر در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان با خبر بود، اما نماز در مسجد را به این بهانه تعطیل نفرمود و برای نماز صبح در مسجد حاضر شد.

بررسی سیره معصومان علیهم السلام نشانگر آن است که آن بزرگواران افزون بر خواندن نمازهای یومیه در مسجد، در شب‌های خاص نیز در مساجد حاضر می‌شده‌اند؛ چنانکه رسول خدا ﷺ در دهه سوم ماه مبارک رمضان، در

۱. **مکارم الأخلاق**، حسن بن فضل طبرسی، ص ۴۶۷؛ **أعلام الدین فی صفات المؤمنین**، حسن بن ابی الحسن دیلمی، ص ۱۹۸.
 ۲. **ارشاد القلوب**، حسن بن محمد دیلمی، ج ۲، ص ۲۱۸.

مسجد معتکف^۱ می شدند که نشان از اهمیت حضور در چنین مکان مقدسی است.^۲

در خبر است که امام صادق علیه السلام فرمود:

«خدمتکار علی بن الحسین (زین العابدین) علیه السلام، ایشان را در شبی سرد، در حالی که لباس و عبا و عمامه‌ای پوشیده و خود را با عطری، خوشبو کرده بود، ملاقات کرد به حضرت عرض می‌کند، فدایت شوم! در چنین ساعتی و با این وضع، ره‌سپار کجا هستید؟ عرض می‌کند:

امام علیه السلام می‌فرماید: «به مسجد جدم پیامبر خدا می‌روم تا از خدای عزّوجلّ حوریان را خواستگاری کنم».^۳

یحیی بن رزین نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام بیماری شدیدی داشت، اما [با همان حال] دستور داد ایشان را به مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله بردند و حضرت تا صبح روز بیست و سوم ماه رمضان در آنجا باقی ماند.^۴

گفتار دوم: اهمیت مسجد از دیدگاه علما

اولیای الهی و به تبع آنها علمای دین بر حضور در مساجد تأکید بسیاری داشته‌اند و این امر در گفتار و رفتار آن بزرگواران به خوبی نمایان است. بررسی اجمالی در گفتار و کردار علما بر حضور مستمر در مساجد، نیازمند کتابی قطور است و نشان از اهمیت فوق‌العاده آنان به مسجد و نماز جماعت دارد. ابن خلکان - مورخ معروف - در شرح حال ابن سینا، حکیم بزرگ و دانشمند معروف می‌نویسد:

«چون مسئله مشکلی برای ابوعلی سینا پیش می‌آمد، برمی‌خاست، وضو می‌گرفت و راهی مسجد جامع شهر می‌شد و نماز می‌گزارد و دعا می‌کرد که خداوند آن مشکل را بر وی آسان سازد و آن مسئله پوشیده را به رویش بگشاید».^۱

در شرح حال عالم بزرگ شیخ آقا بزرگ تهرانی علیه السلام می‌خوانیم:

«با همه اشتغالات پر دامنه علمی و تبعات بسیاری که داشت، از انجام دادن عبادت اسلامی و ریاضات شرعی و تهذیب نفس، غفلت نمی‌کرد. ایشان تا سال ۱۳۵۷ هجری قمری، امامت جماعت مسجد شیخ طوسی (در نجف) را بر عهده داشت و این سنت دینی و اجتماعی را به‌پا می‌داشت. از این سال به بعد که در راه کربلا دچار تصادف شد و آسیب دید به علت دوری راه مسجد طوسی تا منزل وی، مسجد آل طریحی را انتخاب کرد و تا چند سال پیش از درگذشتش این سنت را تعطیل نکرد».^۲

۱. اعتکاف در دهه آخر ماه مبارک رمضان استحباب ویژه‌ای دارد. معتکفان در طول این دهه در مسجد جامع حضور یافته، تا آخر ماه از این مکان مقدس خارج نمی‌شوند.

۲. سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، محمد بن یوسف الصالحی الشامی، ج ۸، ص ۴۳۹.

۳. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۶، ص ۵۱۶.

۴. امالی، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، ص ۶۷۶.

۱. شذرات الذهب، ابن العماد الحنبلی الدمشقی، ج ۵، ص ۱۳۳.

۲. سیمای فرزانهگان، رضا مختاری، ج ۳، ص ۱۶۴.

در زندگی مرجع بزرگ، آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله نیز تقید به اقامه نماز در مسجد و به جماعت مشاهده می شود. در برخی از یادداشت های ایشان آمده است:

«هنگامی که در قم سکونت کردم، صبح ها در حرم حضرت معصومه علیها السلام اقامه جماعت نمی شد و من تنها کسی بودم که این سنت را در آنجا رواج دادم و از شصت سال پیش، صبح زود و پیش از باز شدن درهای حرم مطهر و زودتر از دیگران می رفتم و منتظر می ایستادم. این انتظار گاهی یک ساعت قبل از طلوع فجر بود. در زمستان ها که برف همه جا را می گرفت، بیلچه کوچکی به دست می گرفتم و راه خود را باز می کردم تا خود را به صحن مطهر برسانم. در آغاز، خود به تنهایی نماز می خواندم تا پس از مدتی یک نفر به من اقتدا کرد و پس از آن کم کم افراد دیگر اقتدا کردند و به این ترتیب نماز جماعت را در حرم مطهر آغاز کردم و تا امروز که شصت سال از آن تاریخ می گذرد ادامه دارد و آهسته آهسته ظهرها و شبها نیز اضافه شد و از آن پس، روزی سه بار در مسجد بالای سر حضرت معصومه علیها السلام و صحن شریف نماز می خواندم.»^۱

سیره عملی رهبر کبیر انقلاب رحمته الله نیز به عنوان احیاگر مساجد در قرن اخیر می تواند گویای اهمیت فوق العاده مساجد باشد. حضرت امام خمینی رحمته الله در خاطره ای فرمودند:

«در دوران رضاخان من از یکی از ائمه جماعات سؤال کردم که اگر یک وقت رضاخان لباس ها را ممنوع کند و اجازه پوشیدن لباس روحانی به

۱. برستیغ نور، زندگینامه آیت الله نجفی مرعشی رحمته الله، علی رفیعی، ص ۷۱.

شما ندهد، چکار می کنید؟ او گفت: ما توی منزل می نشینیم و جایی نمی روییم. گفتیم: من اگر پیش نماز بودم و رضاخان لباس را ممنوع می کرد، همان روز با لباس تغییر یافته به مسجد می آمدم و به اجتماع می رفتم. نباید اجتماع را رها کرد و از مردم دور بود.»^۱

بررسی گفتار آن بزرگوار بیانگر اهمیت فوق العاده ای است که نیازمند دقت و تأمل بیشتر است و لازم است به عنوان درسی برای همه مسلمانان جهان مطرح گردد؛ به عنوان نمونه، به چند کلام از آن بزرگوار بسنده می کنیم:

لزوم حفظ مساجد

آنچه در طول مبارزات و فعالیت های انقلابی روشن گشت، آن است که مساجد تنها جایگاهی هستند که در جوّی آکنده از وحدت، اخوّت و معنویت، نیروهای مبارز، مؤمن و شجاع را در خود جای داده و از این طریق، در جهت بیداری و آگاهی بخشی به گروه های مختلف مردمی، رسالت خویش را عینیت بخشیده است؛ به همین دلیل است که دشمنان از مساجد به عنوان مراکز نیرومند پشتیبانی انقلاب و ستاد عملیاتی رهبر انقلاب اسلامی در هراس و وحشت بوده و بارها مساجد را آماج حملات خود قرار داده اند و هم اینک نیز دشمنان داخلی و خارجی در صدد دور کردن مردم، به خصوص جوانان از مساجد هستند.

حضرت امام رحمته الله با تأکید بر نقش محوری مسجد در خنثی کردن نقشه های دشمنان اسلام می فرمایند:

۱. چهارصد و بیست داستان از نماز و عبادات امام خمینی رحمته الله، عباس عزیزی، ص ۱۶۷.

«شما باید هوشیار باشید که مسجدهایتان و محراب‌هایتان و منبرهایتان را حفظ کنید و بیشتر از سابق، شمایی که این معجزه را از مسجد دیدید که همه قدرت‌ها را به هم شکست، نه فقط ابرقدرت‌ها، قدرت‌های دیگر را هم به هم شکست، نباید در اسلام سستی کنید! مسجدها را محکم نگه دارید و پر جمعیت کنید.»^۱

و در بیانی دیگر می‌فرماید:

«ای ملت! مسجدهای خودتان را حفظ کنید!... بروید به مسجد... تا این نهضت به ثمر برسد! مملکت شما نجات پیدا کند.»^۲

مسجد پایگاه انقلاب و حرکت

با بررسی تحولات سال‌های سرنگونی رژیم شاهنشاهی و پیروزی انقلاب اسلامی، نقش و اهمیت مسجد در ابعاد مختلف به وضوح هویدا می‌گردد. در آن زمان مردم و روحانیت با محوریت مساجد، مبارزات خویش را تا پیروزی نهایی ادامه دادند. به یقین در گذشته و حال و آینده، هیچ مکانی قابلیت این مرکزیت را نداشته و ندارد. بنابراین هم اینک نیز دوری مردم از مساجد، موجب شادی دشمنان و تضعیف انقلاب خواهد شد. در آن موقعیت حساس، مسجد پایگاهی شد تا شاگردان و پیروان حضرت امام علیه السلام به همراه اقامه فرایض دینی و عبادی - که دلیل حضور مردم در مساجد بود - پیام‌ها و فرمان‌های امام خمینی علیه السلام را دریافت کنند.

آن بزرگ معمار انقلاب، با تأکید بر حفظ مساجد به عنوان اصل و اساس انقلاب می‌فرماید:

«مسجد محلی است که از آن باید امور اداره بشود. این مساجد بود که این

پیروزی را برای ملت ما درست کرد. این مراکز حساسی است که ملت باید به آن توجه داشته باشند. این طور نباشد که خیال کنیم حالا دیگر ما پیروز شدیم، دیگر مسجد می‌خواهیم چه کنیم؟ پیروزی ما برای اداره مسجد است.»^۱

بر اساس همین دیدگاه است که متفکران و نویسندگان خارجی به اهمیت مساجد در ساختار انقلاب تأکید کرده و آن را محور اصلی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران دانسته‌اند.

حامد الگار - نویسنده و منتقد بزرگ - می‌گوید:

«مسجد هسته اساسی تشکیلات انقلاب اسلامی بود. یکی از عناصر مهم در پیروزی انقلاب، احیای مجدد مسجد و تمام ابعاد عملکردی آن بود. نقش مسجد، دیگر نه عزلت و گریزگاهی از جامعه بود که مردم برای دوری جستن از دنیا، گرفتن وضو، انجام عبادات یا گوش دادن به صوت قرآن به آن پناه می‌بردند، بلکه برعکس، مسجد به یک کانون مبارزه و مرکز فرماندهی بدل گردید. به طور خلاصه، مسجد تماماً آن چیزی شد که در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود.»^۲

مسجد و اهمیت اجتماع در آن

اسلام در ابتدای نظام‌مند ساختن سازمان دینی خود، تأسیس مرکز تجمع عمومی مسلمانان را با نام «مسجد» در اولویت قرار داد و تجمع در آن را به نیکوترین وجه ستود و بیشترین تأکیدات را به منظور حفظ این سنگر توحیدی ابراز نمود.

۱. همان، ص ۱۵.

۲. همان، ج ۸، ص ۶۰.

۲۱. ۲. مسجد و انقلاب اسلامی، رضا شریف‌پور، ص ۴۷.

۲۰. ۱. همان، ج ۱۳، ص ۱۹.

به بیان دیگر، ظهور و علنی شدن اسلام، در مسجد و با جماعت بود، چنانکه در تاریخ نقل شده است در ابتدای اسلام، علی علیه السلام که نوجوانی بیش نبود و حضرت خدیجه، در مسجد الحرام پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز می خواندند.^۱

حضرت امام علیه السلام بر اساس همین شناخت، بارها بر اهمیت اجتماع و حضور فعال در مساجد تأکید داشته، آن را موجب تقویت اسلام و نظام می دانستند:

«مساجد باید مجتمع بشود از جوان ها! اگر ما بفهمیم که این اجتماعات چه فوایدی دارد و اگر بفهمیم که اجتماعاتی که اسلام برای ما دستور داده و فراهم کرده است، چه مسائل سیاسی را حل می کند، چه گرفتاری ها را حل می کند، این طور بی حال نبودیم که مساجدمان مرکز بشود برای چند پیرزن و پیر مرد.»^۲

همچنین می فرمودند:

«اگر در نماز کوتاهی بشود، هرکس بگوید خوب من خودم تنهایی می روم توی خانه ام می خوانم، خیر؛ نماز را در جماعت بخوانید. اجتماع باید باشد. مساجد را پر کنید. این ها از مساجد می ترسند. این ها بیخ گوش شما می گویند که این آخوند که از او کاری نمی آید، مسجد می روید چه کنید؟»

۱. الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، أبو عمر محمد بن عبد البر، ج ۳، ص ۱۰۹۶؛ أسد الغابة فی معرفة الصحابة، عزالدین بن الأثیر الجزری (ابن اثیر)، ج ۳، ص ۵۴۶؛ تاریخ الأمم و الملوك، أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، ج ۲، ص ۳۱۲؛ سبیل الهدی و الرشاد فی سیرة خیر العباد، شمس الدین ابو عبدالله صالحی شامی، ج ۱۰، ص ۸۲؛ الطبقات الکبری، محمد بن سعد البصری (ابن سعد)، ج ۸، ص ۱۴؛ الکامل فی التاریخ، عزالدین أبو الحسن علی بن ابی الکرم (ابن الأثیر)، ج ۲، ص ۵۷.

۲. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۲۵.

خودمان می رویم فلان جا نماز می خوانیم. نماز نمی خواهند بخوانند، می خواهند نماز را بشکنند.»^۱

حضرت امام علیه السلام به فرمایشات خود نیز پایبند و معتقد است؛ چنانکه در روز شهادت حاج آقا مصطفی، پس از دفن پیکر پاک فرزندش و متفرق شدن مردم، وضو می گیرند و هنگام ظهر به مسجد می روند. این کار امام علیه السلام چنان برای مردم عجیب است که حتی خادم مسجد، به اطمینان اینکه امام علیه السلام به مسجد نمی آیند، در مسجد حضور نداشته است و از منزل یکی از همسایگان، سجاده ای برای آقا می آورند.^۲ همراهان و یاران امام راحل علیه السلام نیز همانند آن بزرگوار، مسجد را محور حرکت و پایگاهی برای انقلاب می دانستند. در مورد شهید محراب حضرت آیت الله مدنی علیه السلام نیز می خوانیم: «ایشان بارها از طرف عناصر خلق مسلمان مورد تهدید قرار گرفت چنانکه روزی محراب عبادتش را به آتش کشیدند و بار دیگر قصد جاننش را کردند و ...»

ایشان در جواب کسانی که گفته بودند: اگر نماز جمعه را اقامه کنی، در آتش ما می سوزی، فرموده بود:

«اگر من به مسجد نروم، تضعیف روحیه مسلمانان کرده ام و من در پیشگاه خداوند جواب نخواهم داشت. چه جوابی به خدای خود بدهم که مسجد نرفتم به خاطر جانم بود، خداوند خواهد گفت: اسلام و انقلاب از تو عزیز تر بود؟»^۳

۱. همان، ج ۱۲، ص ۳۹۳.

۲. سرگذشت های ویژه از زندگی امام خمینی علیه السلام، مصطفی وجدانی، ج ۱، ص ۶۵.

۳. یتیمان سرافراز، محمد مهدی فجری، ص ۱۶۴.

گفتار سوم: وظایف مسلمانان در برابر مسجد

بررسی سخنان معصومان علیهم السلام حکایت از اهمیت فوق‌العاده مسجد و ارتباط با آن دارد. بررسی فرموده‌های آن بزرگواران ما را بر این مهم رهنمون می‌دارد که بحث‌های بسیاری درباره مسجد وجود دارد که لازم است به صورت فرهنگ عمومی در جامعه مطرح شود. گرچه تبدیل این توصیه‌ها به صورت فرهنگ عمومی، نیازمند تلاش همه دست‌اندرکاران فرهنگی جامعه به‌خصوص امامان جماعت و خدمتگزاران مساجد و همه مؤمنان است؛ در این مجال به نکاتی که لازم است مورد توجه همه مؤمنان قرار گیرد، می‌پردازیم.

الف - عمران مسجد

یکی از دستوره‌های شارع مقدس اسلام، عمران مسجد است.^۱ در اینکه منظور از «عمران» چیست و آیا آباد ساختن مساجد به معنای آباد کردن ساختمان و تأسیسات آن است یا به معنای اجتماع و شرکت در آن، مفسران اختلاف نظر دارند. بعضی از مفسران، عمران را به معنای آبادی ساختمان مسجد دانسته‌اند؛ در حالی که این کلمه مفهوم وسیعی دارد و همه این امور را شامل می‌شود. چنان که بسیاری از تفاسیر اهل شیعه و اهل سنت بر این امر تصریح کرده‌اند که عمران مسجد شامل ساختمان، اصلاح، نظافت، روشنایی، آمد و رفت، عبادت، دعا، تدریس و تربیت در مسجد می‌شود.^۲ بنابراین نفس حضور در مسجد و حتی خواندن نماز فرادا،

۱. سوره توبه، آیه ۱۸.

۲. تفسیر الصافی، ملا محسن فیض کاشانی، ج ۲، ص ۳۲۷؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، سید محمود آلوسی، ج ۵، ص ۲۶۰؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود زمخشری، ج ۲، ص ۲۵۴.

کمک به عمران و آبادی این مکان مقدس خواهد بود.

بررسی سخنان معصومان علیهم السلام نیز نشانگر این نکته است که عمران و آبادانی مساجد به حضور مردم در آن است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ يَعْتَادُ الْمَسَاجِدَ فَاشْهَدُوا لَهُ بِالْإِيمَانِ لِأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ؛^۱ «هرگاه دیدید که مردی، پیوسته به مسجد می‌رود، به ایمان او گواهی دهید. خدای متعال فرموده است: تنها کسی که به خدا و روز رستاخیز ایمان آورده است، مساجد خدا را آباد می‌کند.»

امیرالمؤمنین علیه السلام درباره اهمیت نماز خواندن در مسجد می‌فرماید:

صَلَاةٌ فِي الْبَيْتِ الْمُقَدَّسِ تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ وَ صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ الْأَعْظَمِ مِائَةً صَلَاةٍ وَ صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ الْقَبِيلَةِ خَمْسٌ وَ عِشْرُونَ صَلَاةً وَ صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ السُّوقِ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ صَلَاةً وَ صَلَاةُ الرَّجُلِ فِي بَيْتِهِ وَ حُدَّهُ صَلَاةٌ وَاحِدَةٌ؛^۲ «یک نماز در بیت‌المقدس برابر با هزار نماز و یک نماز در مسجد جامع برابر با صد نماز و یک نماز در مسجد قبیله برابر با ۲۵ نماز و یک نماز در مسجد بازار برابر با دوازده نماز است و نماز مرد در خانه‌اش به تنهایی فقط یک نماز شمرده می‌شود.»

در برابر، هر نوع عملی که مانع این حضور شود، مصداق آیه ۱۱۴ سوره بقره خواهد بود:

۱. أحكام القرآن، احمد بن علی جصاص، ج ۱، ص ۷۶؛ الدر المنثور فی تفسیر المأثور، جلال‌الدین سیوطی، ج ۳، ص ۲۱۶؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، سید محمود آلوسی، ج ۵، ص ۲۶۰؛ ریاض الصالحین من کلام سید المرسلین، یحیی بن شرف نووی دمشقی، ص ۲۷۴؛ عوالمی اللالی، ابن‌ابی‌الجمهور احسانی، ج ۲، ص ۳۲.

۲. ثواب الأعمال، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، ص ۳۱.

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»^۱ «کیست ستمکارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد و در ویرانی آنها کوشید؟! شایسته نیست آنان، جز با ترس و وحشت، وارد این (کانون‌های عبادت) شوند. بهره آنها در دنیا [فقط] رسوایی است و در سرای دیگر، عذاب عظیم [الهی].»

به این ترتیب، قرآن جلوگیری از نماز و عبادت در مسجد را ستمی بزرگ و عاملان آن را ستمکارترین مردم معرفی می‌کند که نمونه بارز آن تعطیل کردن این مکان در اوقات نماز است و چه ظلمی از این بالاتر که برخی باعث تعطیلی پایگاه‌های توحید می‌شوند و مردم را از یاد حق باز می‌دارند.

ب - خدمت به مسجد

خدمت کردن به خانه خداوند متعال، افتخاری بزرگ و عملی بسیار پسندیده است. اهمیت این خدمتگزاری تا آنجاست که تنها موردی که در قرآن کریم به نذر اشاره شده، نذر خدمت به مسجد است؛^۲ همچنین در قرآن کریم از حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت اسماعیل علیه السلام به عنوان خدمتگزاران خانه خدا نام برده شده است:

«وَعَهَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ»^۳ «و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که خانه مرا برای طواف‌کنندگان و مجاوران و رکوع‌کنندگان و سجده‌کنندگان پاک و پاکیزه کنید!»

رسول خدا صلی الله علیه و آله در بیان اهمیت خدمت به مسجد می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا جَعَلَهُ قِيَمَ مَسْجِدٍ؛^۱ «همانا خدای عزوجل، هرگاه بنده‌ای را دوست بدارد، او را برآورنده نیازهای مسجدی قرار می‌دهد.»

بنابراین بهترین بهترین نذر، نذر خدمت در مسجد است.

خدمت به مسجد دارای مفهوم بسیار وسیعی است. بنای مسجد، عمران آن، امامت مسجد، روشن کردن فضای مسجد، سرایداری، تنظیم سیستم سرما و گرمایی و سیستم صوتی، اذان گفتن، خدمتگزاری نمازگزاران و خلاصه هر کاری که در جهت آماده نمودن این مکان مقدس برای حضور مؤمنان باشد، خدمت به مسجد محسوب می‌شود؛ لذا هرکس نسبت به توانایی‌اش، می‌تواند نوعی از خدمت به مسجد را بر عهده گیرد.

همچنین یکی از مهم‌ترین موارد خدمت به مسجد، نظافت مسجد است. پیشوایان گرامی اسلام، فرموده‌های بسیاری درباره نظافت مساجد دارند. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

مَنْ قَمَّ مَسْجِدًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عِتْقَ رَقَبَةٍ وَمَنْ أَخْرَجَ مِنْهُ مَا يُقَدِّى عَيْنَا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ؛^۲ «هرکس مسجدی را جارو کند، خداوند برای او پاداش آزاد کردن یک بنده را می‌نویسد و هرکس خاشاکی را که چشم را می‌آزارد از مسجد خارج کند، برای او بهره و نصیبی دوچندان از رحمتش قرار می‌دهد.»

۱. فرهنگنامه مسجد، محمد محمدی ری شهری، ص ۱۲۲؛ به نقل از: الفردوس، دیلمی همدانی، ج ۱،

ص ۱۶۲؛ کنز العمال، حسام‌الدین هندی، ج ۷، ص ۶۵۳.

۲. وسائل الشیعه، محمد بن الحسن حر عاملی، ج ۵، ص ۲۳۹.

۳. سورة آل عمران، آیه ۳۵.

۱. سورة بقره، آیه ۱۱۴.

۳. سورة بقره، آیه ۱۲۵.

همچنین می‌فرماید:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ لَا تَأْكُلَهُ الدِّيْدَانُ تَحْتَ الْأَرْضِ فَلْيُكْنَسِ الْمَسَاجِدُ؛^۱
«هرکس دوست دارد خوراک کرم‌های زیر خاک نشود، مسجدها را نظافت
کند.»

روشن است که این روایات، نه مخصوص هفته غبارروبی مساجد است و نه در صدد بیان وظایف خادم مسجد؛ بلکه وظیفه‌ای همگانی را خاطر نشان می‌کند که انجام دادن آن در طول سال ضروری است. در گذشته برخی مؤمنان به خصوص بانوان، برای جارو و غبارروبی مساجد نذر می‌کردند و این برنامه را افتخاری برای خویش می‌دانستند که مناسب است این سنت حسنه احیا و ترویج گردد.

مرتب بودن فضای داخلی مسجد و خالی بودن از هر چیزی که ارتباطی با نماز و عبادت ندارد، از نکات مهم دیگری است که لازم است به آن توجه شود. متأسفانه در برخی مساجد همه وسایل مسجد و هیئت از جمله سماور، جاروبرقی، نردبان، عَلَمَات، پرچم‌های متعدد و... در گوشه مسجد نگهداری می‌شود و ضمن ایجاد مزاحمت برای نمازگزاران، منظره‌ای نازیبا را پدید می‌آورد که شایسته چنین مکان با عظمتی نیست.

خوشبو کردن،^۲ جارو کردن فرش‌ها، تمیز کردن و غبارروبی

۱. الفضائل، شاذان بن جبرئیل قمی، ص ۱۵۳؛ بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، محمد باقر مجلسی (علامه مجلسی)، ج ۸، ص ۱۴۴.

۲. رسول خدا صلى الله عليه وآله می‌فرماید: جَمْرُهَا فِي كُلِّ سَبْعَةِ أَيَّامٍ؛ «مساجدتان را هر روز معطر نمایید.» (دعائم الإسلام، نعمان بن محمد تمیمی مغربی، ج ۱، ص ۱۴۹؛ مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ج ۳،

در و دیوار،^۱ نصب جالباسی و قفسه در دستشویی‌ها برای گذاشتن وسایل، تهیه مایع دستشویی و آینه و نیز گذاشتن چند صندلی در محل وضوخانه برای شستن پاها^۲ از جمله مواردی است که مناسب است مورد توجه قرار گیرد.

ج - رعایت آداب مسجد

مسجد خانه خداست و کسی که به مسجد می‌رود، در واقع به دیدار خدا می‌رود؛ از این رو، شایسته است اموری را رعایت کند؛ از جمله: انگیزه الهی داشتن در رفتن به مسجد، طهارت روح، پاکیزگی جسم و لباس، استعاذه^۳ و خواندن دعا هنگام ورود به مسجد و خروج از آن،^۴ خواندن نماز تحیت و روبه قبله نشستن و حمد و سپاس خدا را گفتن،^۵ و همچنین شتاب نکردن برای خارج شدن از مسجد، شایسته و نیکوست. دین مبین اسلام برای حفظ قداست و حرمت خاص مسجد، وظایفی را برای مسلمانان

۱. مستحب است مسجد هر هفته جارو کشی و غبارروبی شود و مؤمنان پیوسته مراقب نظافت آن باشند. رسول خدا صلى الله عليه وآله می‌فرماید: مَنْ كُنَسَ الْمَسْجِدَ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ فَأَخْرَجَ مِنْهُ مِنَ التُّرَابِ مَا يَدْرُ فِي الْعَيْنِ غَفَرَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ؛ «هرکس روز پنج‌شنبه و شب جمعه مسجد را برود و به اندازه دارویی یا سرمه‌ای که در چشم کنند، خاک‌روبه از آن بیرون برد، آمرزیده شود.» (من لا يحضره الفقيه، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، ج ۱، ص ۲۳۳)

۲. با تمام سفارش‌های اسلام به حضور مؤمنان در مساجد، بر عدم حضور افرادی که از خوردنی‌های بدبو استفاده کرده‌اند تأکید می‌ورزد. رسول خدا صلى الله عليه وآله می‌فرماید: مَنْ أَكَلَ شَيْئًا مِنَ الْمُؤْذِيَاتِ رِيحًا فَلَا يَقْرَأُ فِي الْمَسْجِدِ؛ «کسی که از خوردنی‌های بویار استفاده کند نباید به مسجد نزدیک شود.» (تهذیب الأحكام، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، ج ۳، ص ۲۵۵؛ شبیه این روایات در الإصابه فی تمييز الصحابة، احمد بن علی بن حجر العسقلانی، ج ۳، ص ۲۷۸ ذکر شده است) به نظر می‌رسد از این‌گونه روایات، تکلیف حضور افراد سیگاری و... روشن می‌شود.

۳. پناه بردن به خدا از شر شیطان. (جامع الأخبار، تاج‌الدین شعیری، ص ۶۸).

۴. الامالی، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، ص ۴۰۱.

۵. التهذیب الاحکام، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، ج ۲، ص ۶۵.

مقرر فرموده است که برخی واجب و برخی مستحب و برخی دیگر حرام یا مکروه‌اند. اولیای دین در مواقع مناسب این آداب را به شیعیان خویش تعلیم داده و بر رعایت آن تأکید فرموده‌اند. گرچه بیان آداب حضور در مسجد گسترده و در این مختصر تنها به چند نمونه از آن آداب اشاره شده، اما زیننده است ائمه محترم جماعات و مبلغان پس از نماز مغرب و عشا در چند دقیقه به یکی از آداب مسجد اشاره کنند:

۱. طهارت

طهارت هنگام حضور در مسجد از جمله آدابی است که بر آن تأکید شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

عَلَيْكُمْ بِإِيْتَانِ الْمَسَاجِدِ فَإِنَّهَا يُبَوِّئُ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ وَمَنْ آتَاهَا مُتَطَهَّرًا طَهَّرَهُ اللَّهُ مِنْ ذُنُوبِهِ وَكُتِبَ مِنْ زُورِهِ؛^۱ «بر حضور در مسجد مواظبت کنید؛ چراکه مساجد، خانه‌های خداوند در زمین‌اند. کسی که با طهارت وارد مسجد شود، خداوند او را از گناهانش پاک می‌سازد و نام وی را در زمره زائران خویش می‌نویسد.»

همچنین با طهارت حرکت کردن به سوی مسجد مورد عنایت بیشتری قرار گرفته است. از خاتم انبیا صلی الله علیه و آله روایتی نقل شده است که خداوند می‌فرماید:

أَلَا إِنَّ بِيُوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدَ... أَلَا طُوبَى لِعَبْدٍ تَوَضَّأَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي أَلَا إِنَّ عَلَى الْمَزُورِ كَرَامَةَ الزَّائِرِ؛^۲ «همانا مساجد،

۱. امالی، محمد بن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، ص ۳۵۹؛ روضة الواعظین، محمد تقی مجلسی، ج ۲، ص ۳۳۷.

۲. تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر دمشقی، ج ۶، ص ۵۷؛ تفسیر الصافی، محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی، (ملا محسن فیض کاشانی)، ج ۲، ص ۳۲۷؛ وسائل الشیعه، محمد بن الحسن حر عاملی، ج ۱، ص ۳۸۱.

خانه‌های من در زمین‌اند. خوشا به حال کسی که در خانه‌اش وضو بگیرد، سپس مرا در خانه‌ام زیارت کند. همانا بر زیارت شده [واجب] است که زائرش را گرامی دارد.»

۲. زینت کردن

خداوند در سوره اعراف درباره کیفیت حضور در مسجد می‌فرماید:

﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾؛^۱ «ای فرزندان آدم! زینت خود را هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید.»

این جمله می‌تواند هم اشاره به «زینت‌های ظاهری» باشد که شامل پوشیدن لباس‌های مرتب، پاک و تمیز، شانه زدن موها، عطر زدن و مانند آن می‌شود و هم شامل «زینت‌های معنوی»، یعنی صفات انسانی، ملکات اخلاقی، پاکی نیت و اخلاص.^۲

علامه طبرسی در ذیل این آیه می‌فرماید: امام حسن مجتبی علیه السلام هر وقت به نماز برمی‌خاست، بهترین لباس‌های خود را می‌پوشید. علت را جویا شدند، فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ فَأَتَجَمَّلُ لِرَبِّي وَهُوَ يَقُولُ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ فَأُحِبُّ أَنْ أَلْبَسَ أَجُودَ ثِيَابِي؛^۳ «خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد. من خود را برای خدایم می‌آرایم. او می‌گوید: زینت خود را نزد هر نمازی بر تن کنید. دوست دارم که بهترین لباسم را بپوشم.»

۱. سوره اعراف، آیه ۳۱.

۲. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، ج ۶، ص ۱۴۸.

۳. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، ج ۲، ص ۱۴؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، ج ۴، ص ۶۳۷.

۳. پیاده رفتن به مسجد

از سخنان معصومان علیهم السلام به دست می آید که پیاده رفتن به سوی مسجد بسیار با اهمیت است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى شَيْءٍ يُكْفِّرُ اللَّهُ بِهِ الْخَطَايَا وَيَزِيدُ فِي الْحَسَنَاتِ قِيلَ بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ إِسْبَاغُ الْوُضُوءِ عَلَى الْمَكَارِهِ وَكَثْرَةُ الْخُطَى إِلَى هَذِهِ الْمَسَاجِدِ ...^۱ «آیا شما را به چیزی راهنمایی نکنم که خدا، خطاها را با آن می پوشاند و بر نیکی ها می افزاید؟ گفته شد: بله، ای پیامبر خدا! فرمود: وضوی کامل گرفتن با همه سختی ها و فراوان گام برداشتن به سوی این مسجدها.»

در تاریخ آمده است که یکی از قبایل تصمیم گرفتند خانه های خود را به اطراف مسجدالنبی صلی الله علیه و آله منتقل کنند تا همسایه مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله باشند و راحت تر در مسجد حضور یابند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با خبر شد و به آنان فرمود:

«به من گزارش داده اند که شما قصد دارید به اطراف مسجد نقل مکان کنید.» گفتند: آری، ای رسول خدا! چنین تصمیم گرفته ایم. آن حضرت فرمود: بنی سلمه دیار کُم تکتب آثار کُم، دیار کُم تکتب آثار کُم؛^۲ «ای بنی سلمه! محله هایتان آثار [قدم های] شما را ثبت می کند، محله هایتان آثار شما را ثبت می کند.»

امام صادق علیه السلام می فرماید:

مَنْ مَشَى إِلَى الْمَسْجِدِ لَمْ يَضَعْ رِجْلَيْهِ عَلَى رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا سَبَّحَ لَهُ

۱. امالی، محمد بن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، ص ۳۲۲؛ تفسیر روح البیان، اسماعیل حقی بروسوی، ج ۲، ص ۱۵۷؛ اسد الغابة فی معرفة الصحابة، عزالدین بن الأثیر الجزری (ابن اثیر)، ج ۶، ص ۴۳۴.
۲. ریاض الصالحین من کلام سید المرسلین، یحیی بن شرف نووی دمشقی، ص ۵۳؛ الدر المنثور فی تفسیر المأثور، جلال الدین سیوطی، ج ۵، ص ۲۶۰؛ تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر دمشقی، ج ۶، ص ۵۰۳.

إِلَى الْأَرْضِينَ السَّابِغَةِ؛^۱ «هرکس سوی مسجد حرکت کند، پاهای خود را

بر هیچ تر و خشکی نمی گذارد مگر آنکه از آنجا تا زمین هفتم به جای او پروردگار را تسبیح می کنند.»

جابر بن عبدالله می گوید:

خانه های ما از مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله دور بود و خواستیم بفروشیم و نزدیک مسجد شویم. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

إِنِّي نُبَأُ، فَأَتِكُمْ أَوْ تَادَهَا، وَمَا مِنْ عَبْدٍ يَخْطُو إِلَى الصَّلَاةِ خُطْوَةً إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرًا؛^۲ «در همان مکانی که هستید، بمانید. شما میخ های مساجد هستید. هر بنده خدایی که گامی برای نماز برمی دارد، خداوند پاداشی برایش ثبت می کند.»

۴. اخلاص در رفت و آمد

یکی از آداب مسجد، اخلاص است؛ به تعبیر دیگر، انسان تنها برای رضای الهی در مسجد حضور پیدا کند؛ در غیر این صورت، هیچ ثواب و بهره ای نصیبش نخواهد شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ أَتَى الْمَسْجِدَ لِشَيْءٍ فَهُوَ حَظُّهُ؛^۳ «هرکس برای چیزی به مسجد برود، همان، بهره او می شود.»

شهید دستغیب در کتاب استعاذه^۴ نقل می کند:

۱. من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، ج ۱، ص ۲۳۳؛ المحجة البيضاء، محمد بن شاه مرتضی (ملا محسن فیض کاشانی)، ج ۱، ص ۳۵۶.
۲. المعالم الأثریه فی السنه و السیره، محمد محمد حسن شراب، ص ۲۶۷؛ وفاء الوفاء بأخبار دارالمصطفی، نورالدین علی بن أحمد السهمودی، ج ۱، ص ۱۶۱.
۳. فرهنگنامه مسجد، محمد محمدی ری شهری، ص ۱۳۲؛ سنن ابی داوود، سلیمان بن اشعث سجستانی، ج ۱، ص ۱۸۰، ش ۴۶۵.
۴. گفتنی است که این داستان منافاتی با اهمیت فوق العاده نماز در صف اول جماعت ندارد و تنها در صدد بیان اهمیت اخلاص در عمل مخصوصاً حضور در مسجد است.

«شخصی اهل مسجد و نماز بود و جماعتش ترک نمی‌شد. وی به قدری مقید بود که زودتر از دیگران به مسجد می‌آمد و در صف اول جماعت قرار می‌گرفت و نفر آخری بود که از مسجد بیرون می‌رفت. یکی از روزها اندکی دیر به مسجد رسید و در صف اول جایی برای ایستادن پیدا نکرد و مجبور شد در صف دوم بایستد؛ ولی از اینکه مردم او را در صف دوم دیدند، خجالت کشید و آثار شرمندگی در چهره‌اش پدیدار شد. با خود گفت: چرا دیر آمدم که در صف دیگری قرار بگیرم؟ ناگهان به خود آمد که این چه فکر باطلی است که بر من چیره شده است؟ اگر خلوص باشد صف اول و آخر ندارد. به خود گفت: معلوم می‌شود سی سال نماز تو به ریا آلوده بود و گرنه نمی‌بایست صف دوم، شائبه‌ای در دل تو ایجاد کند. این فکر، نوری در قلبش پدید آورد و باعث شد توبه کند و در صدد اصلاح خود برآید و تصمیم گرفت که قضای تمام نمازهای سی ساله‌اش را - که در صف اول خوانده بود - به جای آورد.»^۱

۵. ورود با آرامش و وقار

توجه قلبی به عظمت و بزرگی صاحب خانه و اینکه مسجد محضر خاص حق تعالی است، سبب می‌شود انسان مؤمن، هم با وقار و طمأنینه به سوی مسجد حرکت کند و هم در مسجد با آرامش به عبادت و راز و نیاز بپردازد. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ أَرَادَ دُخُولَ الْمَسْجِدِ فَلْيَدْخُلْ عَلَى سُكُونٍ وَ وَقَارٍ فَإِنَّ الْمَسَاجِدَ بِيُوتُ
اللَّهِ وَأَحَبُّ الْبِقَاعِ إِلَيْهِ؛^۲ «هرکس خواست وارد مسجد شود، باید با آرامش

۱. داستان‌ها و حکایت‌های مسجد، غلامرضا نیشابوری، ص ۱۰۰-۱۰۱، با اندکی تلخیص.

۲. من لا يحضره الفقيه، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، ج ۱، ص ۲۴۰.

و وقار وارد شود که مساجد، خانه‌های خداوند و محبوب‌ترین زمین‌ها نزد خداوند است.»

۶. نماز تحیت

تعظیم مسجد از جمله سفارش معصومان علیهم السلام است و بر آن تأکید کرده‌اند. امام صادق علیه السلام در سخنی گهربار می‌فرماید:

«هرگاه به در مسجد رسیدی، بدان که حضور در محضر پادشاهی بزرگ را قصد کرده‌ای که به درگاه او ره نمی‌یابند، جز پاکیزگان و اجازه محضر او را نمی‌یابند، جز راستگویان. چنان باوقار به مسجد برو که نزد پادشاه پر شکوه می‌روی. (بدان) در جایگاه بزرگی قرار داری!»^۱

ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره علت و حکمت تعظیم مساجد پرسیدم. حضرت فرمود:

إِنَّمَا أَمِيرٌ يَتَعَطِّمُ الْمَسَاجِدَ لِأَنَّهَا بِيُوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ؛^۲ «به این سبب به تعظیم مساجد فرمان داده شده است که آنها خانه‌های خدا در زمین‌اند.»

بر این اساس، خواندن نماز تحیت هنگام ورود به مسجد مورد سفارش قرار گرفته است. از ابوذر روایت شده است:

«خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدم، در حالی که آن حضرت در مسجد نشسته بود. ایشان به من فرمود: ای اباذر! برای مسجد تحیتی است. گفتیم: تحیت مسجد چگونه است؟ فرمود: آن است که دو رکعت نماز در آن بخوانی.»^۳

۱. مصباح الشریعه، منسوب به امام صادق علیه السلام، ص ۱۳۰؛ بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، محمد باقر مجلسی (علامه مجلسی)، ج ۸۰، ص ۳۷۳.

۲. علل الشرایع، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، ج ۲، ص ۳۱۸.

۳. دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ هُوَ فِي الْمَسْجِدِ جَالِسٌ فَقَالَ لِي يَا أَبَاذُرٍّ إِنَّ لِمَسْجِدِي تَحِيَّةً قُلْتُ وَ مَا تَحِيَّتُهُ. قَالَ رَكْعَتَانِ تَرَكُّهُمَا. (وسائل الشیعه، محمد بن الحسن حر عاملی، ج ۵، ص ۲۴۸. شبیه این تعبیر در تاریخ الأمم و الملوك، محمد بن جریر الطبری، ج ۱، ص ۱۵۱ آمده است)

۷. رعایت صفوف نماز جماعت

در لابه‌لای فرموده‌های اسلام دربارهٔ مسجد و نماز جماعت، به چگونگی صفوف نماز جماعت، عنایت ویژه‌ای شده است:

نماز در صف اول

رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

فَضْلُ الصَّفِّ الْأَوَّلِ عَلَى الثَّانِي كَفَضْلِي عَلَى أُمَّتِي؛^۱ «برتری صف اول بر

صف دوم، همانند برتری من بر امتم است.»

در روایتی آمده است:

أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ حَثَّ النَّاسَ عَلَى الصَّفِّ الْأَوَّلِ فِي الصَّلَاةِ وَقَالَ خَيْرُ صُفُوفِ

الرِّجَالِ أُولَئِكَهَا وَشَرُّهَا آخِرُهَا؛^۲ «پیامبر اکرم ﷺ مردم را به صف اول نماز

ترغیب می‌کرد و می‌فرمود: بهترین صفوف مردان، اولش و بدترین آنها

آخرش است.»

صفوف به هم فشرده

امام باقر ﷺ فرموده است:

يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ الصُّفُوفُ تَامَّةً مُتَوَاصِلَةً؛^۳ «شایسته است صفوف جماعت

فشرده و پیوسته باشد.»

شانه به شانه بودن نمازگزاران

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

سَوُّوا بَيْنَ صُفُوفِكُمْ وَحَادُوا بَيْنَ مَنَازِكِكُمْ لَا يَسْتَحُودُ عَلَيْكُمُ الشَّيْطَانُ؛^۱

«صف‌هایتان را صاف کنید و شانه‌هایتان را به هم بچسبانید تا شیطان بر

شما غلبه نکند.»

نکته مهم این است که این سفارش، تنها به لحاظ رعایت نظم و انضباط

در پیشگاه حق تعالی نیست؛ بلکه نمایش یکپارچگی و همدلی مسلمانان در

برابر دشمنان است. امام صادق علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَقِيمُوا صُفُوفَكُمْ وَأَمْسَحُوا بِمَنَازِكِكُمْ لِئَلَّا يَكُونَ بَيْنَكُمْ خَلَلٌ وَ

لَا تُخَالِفُوا فَيُخَالِفَ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ؛^۲ «ای مردم! صف‌هایتان را منظم کنید

و شانه‌ها را به هم متصل نمایید تا میان شما فاصله‌ای نباشد. نامنظم

نایستید وگرنه خداوند دل‌هایتان را با هم ناهماهنگ خواهد کرد.»

شاید بیان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به این نکته اشاره داشته باشد که نظم

و انضباط در توافق و همدلی دل‌ها اثر دارد و برعکس، دیدن

پریشانی و به هم ریختگی صفوف در مسجد، روح و روان را آشفته

می‌سازد.

به همین علت، تأکید شده است تا زمانی که در صف‌های جلوتر مکانی

برای ایستادن وجود دارد، در صف‌های بعدی نایستید.

۸. عدم عجله در خارج شدن از مسجد

از دیگر آداب مسجد آن است که پس از اتمام نماز، برای خارج شدن از

مسجد عجله نکنید.

۱. عوالمی اللالی، محمد بن علی احسانی (ابن‌ابی‌جمهور)، ج ۱، ص ۳۴.

۲. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، محمد بن علی ابن‌بابویه (شیخ صدوق)، ص ۲۳۰؛ بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی (علامه مجلسی)، ج ۸۵، ص ۹۹.

۱. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ج ۶، ص ۴۶۱.

۲. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، ج ۶، ص ۵۱۴؛ معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، حسین بن مسعود بغوی، ج ۳، ص ۵۶.

۳. الکافی، محمد بنی‌عقوب کلینی، ج ۳، ص ۳۸۵؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، ج ۱۵، ص ۲۸۴.

رسول خدا ﷺ می فرماید:

عِشْرُونَ خُصْلَةً تُورِثُ الْفَقْرَ... وَ تَعْجِيلُ الْخُرُوجِ مِنَ الْمَسْجِدِ؛^۱ «بیست خصلت موجب فقر می شود [یکی از آنها] عجله برای خارج شدن از مسجد است.»

از دیگر آداب ورود به مسجد، گفتن **أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ**،^۲ صلوات بر محمد و آل محمد **ﷺ**،^۳ وارد شدن با پای راست و خارج شدن با پای چپ است.^۴

به دلیل لزوم رعایت احترام و ادب در مسجد، نجس کردن آن حرام، طهارت فوری آن واجب، توقف شخص جنب و زن حائض و نفساء در آن حرام^۵ و ورود افراد مست به آن غیر مجاز است.

در مقابل، اموری مانند عبور کردن از داخل مسجد بدون نماز خواندن در آن،^۶ بلند کردن صدا،^۷ معرفی کردن گم شده و پرسش از آن،^۸ خواندن اشعار بیهوده و بی محتوا،^۹ خرید و فروش،^{۱۰} بدون ضرورت در مسجد

خوابیدن^۱ و سخن گفتن از مسائل دنیوی،^۲ شایسته این مکان مقدس نیست.

رسول خدا ﷺ می فرماید: **يَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَنَسٌ مِنْ أُمَّتِي يَأْتُونَ الْمَسَاجِدَ يَقْعُدُونَ فِيهَا حَلَقًا ذَكَرَهُمُ الدُّنْيَا وَ حُبُّ الدُّنْيَا لَا تُجَالِسُوهُمْ فَلَيْسَ لِلَّهِ بِهِمْ حَاجَةٌ**؛^۳ «در آخر زمان، از امت من مردمی پدیدار گردند که در مساجد گرد هم می آیند که ذکرشان دنیا و دوستی دنیاست. با آنها همنشینی نکنید که خدا را به ایشان، حاجتی نیست.»

همچنین به مسجد رفتن کسی که بوی دهانش دیگران را آزار دهد، مکروه است.^۴

د - توجه به کارکردهای مسجد

در مسجد افزون بر کارکرد اصلی آن که همانا محلی برای ارتباط با خداوند و برگزاری نماز جماعت است، کارکردهای بسیاری وجود دارد که بیان همه آنها در این نوشتار نمی گنجد؛ اما محض نمونه به چند مورد که از اهمیت ویژه ای برای مسجیدیان برخوردار است اشاره می شود:

۱. تربیتی

یکی از مهم ترین کارکردهای مسجد، کارکرد تربیتی آن است. البته در کارکرد تربیتی مسجد، موضوعات مختلفی نهفته است؛ اما تنها به این نکته اشاره

۱. جامع الأخبار، تاج الدین شعیری، ص ۱۲۴. ۲. جامع الأخبار، تاج الدین شعیری، ص ۶۸.

۳. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۳، ص ۳۰۹.

۴. جامع الأخبار، تاج الدین شعیری، ص ۶۹.

۵. سورة نساء، آیه ۴۳.

۶. من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، ج ۴، ص ۴.

۷. امالی، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، ص ۵۱۶؛ الخصال، محمد بن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، ج ۲، ص ۵۰۱.

۸. علل الشرائع، محمد بن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، ج ۲، ص ۳۱۹؛ الطرائف، سید علی بن موسی بن طاووس (سید بن طاووس)، ج ۱، ص ۲۲۳.

۹. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۳، ص ۳۶۹؛ التهذیب الاحکام، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، ج ۳، ص ۲۵۹.

۱۰. أسد الغابة فی معرفة الصحابة، عزالدین بن الأثیر الجزری (ابن اثیر)، ج ۱، ص ۲۹۸؛ الدر المنثور فی تفسیر المأثور، جلال الدین سیوطی، ج ۵، ص ۵۱.

۱. جامع الأخبار، تاج الدین شعیری، ص ۷۰. ۲. همان، ص ۱۳۰.

۳. آیات الأحکام، سید امیر ابوالفتح حسینی جرجانی، ج ۱، ص ۱۵۵؛ تفسیر الصافی، محمد بن شاه مرتضی (ملا محسن فیض کاشانی)، ج ۴، ص ۳۲۷.

۴. أسد الغابة فی معرفة الصحابة، عزالدین بن الأثیر الجزری (ابن اثیر)، ج ۴، ص ۷۷؛ الإصابة فی تمییز الصحابة، احمد بن علی ابن حجر العسقلانی، ج ۴، ص ۴۴۶؛ الخصال، محمد بن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، ج ۲، ص ۶۳۰.

می‌کنیم که مسجد بهترین مکان برای آشنایی با هنجارها و ناهنجاری‌ها در جامعه اسلامی است. اگر تنها همین کارکرد در نظر گرفته شود و مسیر صحیح از بیراهه مشخص گردد و این مسائل توسط مسجدی‌ها از طریق عمل و بیان میان اقوام و دوستان ترویج گردد، مهم‌ترین گام برای ایجاد هنجارها در اجتماع برداشته شده است.

۲. روحی و روانی

اضطراب و نگرانی، یکی از بزرگ‌ترین مشکلات زندگی آدمی و آرامش، یکی از گم‌شده‌های مهم اوست که همواره در جست‌وجوی آن بوده و هست و از آغاز زندگی در تکاپوی یافتن آن است.

قرآن کریم با جمله‌ای کوتاه و پر مغز، مطمئن‌ترین و نزدیک‌ترین راه را برای رسیدن به آرامش نشان داده و می‌فرماید: «**أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ**»؛^۱ «بدانید! یاد خدا آرامش بخش دل‌هاست.»

همچنین می‌فرماید:

«**هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ**»؛^۲ «او کسی است که آرامش را بر دل‌های مؤمنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایند.»

در بررسی آیات و روایات این نکته مهم به دست می‌آید که مسجد بهترین مکان برای آرامش قلب‌ها و پناهگاهی برای زندگی پر تلاطم شهر به شمار می‌آید. آمارها نشان می‌دهد که آرام‌ترین انسان‌ها از نظر روانی مسجدی‌ها و افرادی هستند که با دعا و نیایش مأنوس‌اند؛ چراکه مسجد محل ذکر و یاد خداست و خود این مکان به انسان آرامش می‌دهد.

۴۰. ۱. سوره رعد، آیه ۲۸. ۲. سوره فتح، آیه ۴.

همچنین حضور مستمر در مسجد سبب می‌شود انسان از دغدغه‌ها و مشکلات فردی و اجتماعی، رها و به منبع اصلی فیض الهی متصل شود. این حالت روانی، سبب تفریح روح می‌گردد؛ چنان که رسول خدا ﷺ به عثمان بن مظعون می‌فرماید: **فَإِنَّ سِيَّاحَةَ أُمَّتِي الْمَسَاجِدُ**؛^۱ «به یقین سیاحت [و تفریح] امت من در مساجد است.»

امام صادق علیه السلام نیز به مسلمانان سفارش می‌کنند که هنگام رویارویی با مشکلات و اندوه‌های دنیایی، به نماز و مسجد پناه ببرند.^۲ بنابراین هیچ‌کس مجاز نیست آرامش و سکون این محیط را برهم زند.

عدم توجه مدیریت برخی مساجد، باعث شده است چهره مسجد که محیطی شاد و دل‌ربا است، به عزاخانه و محیطی غم‌بار تبدیل شود؛ چراکه از یک سو، هر از چندگاهی از طریق بلندگوی مسجد، فوت یکی از اهالی محل اعلام می‌گردد و همگان را برای تشییع جنازه دعوت می‌کند و از سوی دیگر، افزون بر وجود تابوت در کنار مسجد، هر هفته مجالس ختم، هفت، چهلم و سالگرد به همراه تلاوت قرآن از بلندگوی مسجد پخش می‌شود و نه تنها بسیاری را از قرآن و مسجد دل‌زده می‌کند، بلکه بسیاری را از همسایگی مسجد فراری می‌دهد.

۳. اجتماعی

دین اسلام بر اجتماعی بودن بنیاد گرفته است تا انسان را از زندگی فردی و عزلت برهاند؛ از همین روی، می‌بینیم اسلام عزلت و تنهایی به همراه

۴۱. ۱. عوالمی اللالی، محمد بن علی احسانی (ابن ابی‌جمهور)، ج ۳، ص ۲۹۲.

۲. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، ج ۱، ص ۲۱۷.

راز و نیاز (اعتکاف) را میان جمع، آن هم در مسجد جامع توصیه می‌کند. اصولاً یکی از علل تأکید پیامبر اسلام ﷺ و امامان معصومین بر حضور در نماز جماعت در هیئت صفوف فشرده و منسجم، ایجاد روحیه تعاون میان نمازگزاران و افزایش بُعد اجتماعی مسلمانان در کنار انجام اعمال عبادی آنان است. این حضور می‌تواند از هرج و مرج و عنان‌گسیختگی که جامعه به مرور زمان دچار آن می‌شود، جلوگیری کند و تشکیل این اجتماعات در مکان مقدس مسجد، سبب می‌شود تا مؤمنان تحت توجه و ارشاد عالمان و مبلغان دینی قرار گیرند.^۱

از سوی دیگر، با نمایش همبستگی و پیوستگی مسلمانان در مسجد، همدلی و همراهی آنان همه‌روزه اعلام می‌شود. مسجد عامل مهمی برای ایجاد آشنایی میان مؤمنان و اطلاع آنان از حال یکدیگر و کمک‌رسانی در وقت نیاز و دعا در حق هم هنگام گرفتاری است. همچنین مسجد پایگاهی نیرومند برای انفاق و خیرات در راه خدا و برطرف کردن نیاز نیازمندان و مرکز مبارزه با ظلم حاکمان جور و انسجام نیروها و امکانات به منظور تداوم مبارزات و حفظ دستاوردها و پیروزی‌ها به شمار می‌رود. امام رضا (ع) می‌فرماید:

إِنَّمَا جُعِلَتِ الْجَمَاعَةُ لِنَالٍ يَكُونُ الْإِخْلَاصُ وَالتَّوَجُّيدُ وَالْإِسْلَامُ وَالْعِبَادَةُ لِلَّهِ
إِلَّا ظَاهِرًا مَكْشُوفًا مَشْهُودًا لِأَنَّ فِي إِظْهَارِهِ حُجَّةً عَلَى أَهْلِ الشَّرْقِ وَالْغَرْبِ
لِلَّهِ وَحُدَّةً وَ لِيَكُونَ الْمُنَافِقُ وَالْمُسْتَخْفُ مُؤَدِّيًا لِمَا أَقْرَبَ بِهِ يُظْهِرُ الْإِسْلَامَ
وَالْمُرَاقِبَةَ وَ لِيَكُونَ شَهَادَاتُ النَّاسِ بِالْإِسْلَامِ بَعْضِهِمْ لِبَعْضٍ جَائِزَةً مُمَكِّنَةً

مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الْمُسَاعَدَةِ عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَالزُّجْرِ عَنْ كَثِيرٍ مِنْ مَعَاصِي
اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛^۱ «نماز جماعت به آن جهت مقرر شده است تا اخلاص،
توحید، اسلام و پرستش خدا همگی ظاهر، آشکار و مشهود باشد؛ زیرا با
آشکارکردن این امور، حجت خدای یگانه بر اهل شرق و غرب اعلام
می‌شود [و کسی نخواهد توانست جهل را عامل دوری از اسلام بداند].
همچنین [باید احکام اسلام آشکارا عملی شود و بر انجام آن مراقبت
کنند] تا منافق و سست‌آیین نیز آنچه را [به زبان] اقرار کرده است،
به جای آورد تا اسلام و مراقبت بر آن را اظهار کند و برای
آنکه گواهی دادن مردم به مسلمانی یکدیگر، روا و ممکن باشد.
همچنین مساعدت در نیکوکاری و تقوا و جلوگیری از بسیاری از
نافرمانی‌های خداوند عزیز و جلیل [با حضور در نماز جماعت محقق
می‌شود].»

بنابراین با توجه به این سخن گهربار، کارهایی مانند جمع‌آوری کمک
برای نیازمندان،^۲ معرفی افراد نیازمند به مراکز خیریه یا صندوق‌های
قرض‌الحسنه برای گرفتن وام، اعطای خدمات درمانی،^۳ اقدام برای تسهیل
ازدواج جوانان، برنامه‌ریزی برای عیادت بیماران و سرکشی به آنان، به‌ویژه
بیماران اهل مسجد و اموری از این قبیل، از مصادیق تعاون بر «بر و تقوا»
است.

۱. وسائل الشیعه، محمد بن الحسن حر عاملی، ج ۸، ص ۲۸۷.

۲. اعلام عمومی و جمع‌آوری وسایل سالم و بلااستفاده و رساندن آن‌ها به دست نیازمندان، یکی از بهترین
کارهایی است که می‌تواند در جهت رفع مشکل نیازمندان، درون مسجد انجام شود.

۳. دعوت از برخی پزشکان و مشاوران برای هفته‌ای یک ساعت حضور در مسجد و درمان صلواتی
بیماران، تأثیر چشمگیری در زندگی خود آنها و نیز جذب مردم به نماز و مسجد خواهد داشت.

۱. آیین مسجد، محمد علی موظف رستمی، ج ۲، ص ۶۳.

یکی از کارکردهای مهم مسجد، کارکرد سیاسی آن است که از زمان رسول خدا ﷺ بر آن تأکید شده و هم‌اکنون نیز اهمیت آن به خوبی نمایان است. بر همین اساس، آن حضرت پس از بنیان‌گذاری نظام اسلامی، به منظور دخالت دادن مسلمانان در حکومت و آشنا ساختن آنان با اهداف سیاسی اسلام، مسجد را که یک مرکز عمومی و محل تجمع مسلمانان برای ادای فرایض دینی بود، به منزله پایگاه حکومت و نهاد سیاسی اسلام برگزید. در دوره‌های بعد نیز کارکرد سیاسی مسجد افزون‌تر شد و امور سیاسی آن روز، مانند معرفی خلیفه، مراسم بیعت با وی و عزل و نصب استانداران و کارگزاران در مسجد صورت می‌گرفت.

در دوران انقلاب اسلامی ایران نیز پس از امور اعتقادی و عبادی، پررنگ‌ترین، فعال‌ترین و بارزترین کارکرد مسجد، محور سیاست بوده است؛ چراکه مساجد در آگاهی و بیداری توده‌ها در دوران قبل و بعد از انقلاب نقش مؤثری داشته‌اند و هم‌اکنون نیز استعمارگران از مسجد بیش از هر نهاد انقلابی می‌ترسند.

امام خمینی رحمته‌الله در تبیین بُعد سیاسی مسجد می‌فرماید:

«اما راجع به اسلام، شروع کردند تبلیغات کردن به اینکه اسلام یک مکتبی است که می‌گوید: ملایم، کم‌کم لابد پیش می‌آیند، یک مکتبی است که مربوط به دعا و ذکر و یک روابطی مابین مردم و مابین خالق، سیاست کاری به آن ندارد، اسلام به حکومت کاری ندارد، به سیاست کاری ندارد، این را آنقدر تبلیغات روی آن کردند که در جامعه خود روحانیت هم به خورد آنها هم دادند که بسیاری از آنها هم همین اعتقاد را پیدا کردند... که

روحانی مسجد بروود و نماز بخواند و عرض می‌کنم از این صنف کارها، درس بگویند و مباحثه بکنند و آن آداب شرعی را به مردم نشان دهد. آنها دیدند که نماز روحانیون و نماز اسلام هیچ به آنها ضرر ندارد، هرچه می‌خواهند نماز بخوانند.»^۱

البته ناگفته پیداست که سیاست مسجد با مسجد سیاسی که طرفداران هر گروه و جناح، این مکان مقدس را سیاسی و جناحی کرده و امام جماعت، نمازگزاران، سخنرانان و تمام برنامه‌های آن طبق سلیقه آن گروه اجرا می‌شود، تفاوت دارد؛ زیرا با تعریفی که اسلام از مسجد عرضه می‌کند، مسجد نمی‌تواند پایگاه سیاسی «یک حزب» باشد. مسجد از یک سو به «خدا» و از سوی دیگر، به «مردم» تعلق دارد؛ از این رو نباید زیر سیطره یک باند سیاسی قرار گیرد و از آن به عنوان مرکز فعالیت‌های تشکیلات گروهی استفاده شود.

۵. رسانه‌ای

وسایل ارتباطی، یکی از نیازهای مهم بشر هستند. این وسایل، افراد را از رخدادهای مهم با خبر می‌سازند و کمک می‌کنند تا در حوادث به یاری یکدیگر بشتابند، همچنین آنان را از حمله دشمنان آگاهی می‌کند تا برای دفاع آماده شوند. دین مبین اسلام از ۱۴۰۰ سال پیش این نیاز را در نظر گرفته و «مسجد» را به عنوان پایگاه ارتباطی بسیار مهمی در افزایش پیوندهای انسانی و توسعه فرهنگی اسلام معرفی کرده است. به بیان دیگر، مسجد، اصلی‌ترین مکان شکل‌دهی افکار عمومی، فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی در تمدن اسلامی بوده است. ندای «الصلاة

۱. صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله، ج ۴، ص ۱۶.

جامعه^۱ در عهد پیامبر ﷺ و پس از آن، فراخوانی عمومی برای گرد هم آوردن مسلمانان در مسجد و آگاهی از امور مهم بوده است؛ به همین دلیل، کارکرد رسانه ارتباطی جمعی با همه تحولات تکنیکی آن، زمانی قرین توفیق می شود که بتواند عمیق ترین ارتباط و پیوند را با مخاطب برقرار سازد که این ویژگی فقط در مسجد وجود دارد.

ممکن است پنداشته شود که با وجود رسانه های گروهی پیشرفته امروزی، این نقش مساجد، اهمیت پیشین خود را از دست داده است؛ ولی گسترش مساجد در تمام نقاط شهری و روستایی از یک سو و حرمت، قداست و معنویت خاص مسجد نزد مسلمانان از سوی دیگر، سبب شده است مساجد نقش مهم و انکارناپذیر خود را در این کارکرد حفظ کنند. برخی از ویژگی های خاص رسانه ای مسجد عبارت اند از:

۱. پیام مسجد، همگانی است و برخلاف برخی رسانه ها، اخبار خصوصی و محرمانه ندارد.

۲. مسجد، برخلاف سایر رسانه ها، پیام منفی ندارد.

۳. پیام مسجد، برخلاف اخبار رسانه ها، در قلب ها و افکار مخاطبان نفوذ می کند.

۴. پیام مسجد می تواند انقلاب ساز باشد؛ ولی اخبار برخی رسانه ها انقلاب سوز است.

۵. پیام های مسجد برخلاف اخبار رسانه ها که پس از یک روز یا حتی چند ساعت کهنه می شود، پر دوام است.

۱. سیل الهدی، محمد بن یوسف الصالحی الشامی، ج ۱۰، ص ۱۱۸؛ إمتاع الأسماع، تقی الدین احمد بن علی المقریزی، ج ۹، ص ۶۳.

۶. در رسانه مسجد، اولویت با پیام دینی است؛ اما در اکثر رسانه ها اولویت با مسائل اقتصادی، سیاسی و... است.

۷. پیام مسجد، ارشاد و هدایت است؛ برخلاف اخبار رسانه ها که بیشتر اطلاع رسانی است و احياناً تخریب و گمراهی به همراه دارد.

۸. پیام دهنده در مسجد (امام) باید عادل و عالم باشد؛ برخلاف پیام دهنده در رسانه ها که شرط خاصی ندارد و هرکس می تواند در آن مقام قرار گیرد.

۹. پیام دهنده مسجد، مخاطب را می شناسد و به فراخور ظرفیت او پیام می دهد؛ ولی بیشتر رسانه ها به هر گیرنده ای پیام می دهند.

۱۰. نحوه پیام دادن در مسجد، شرایط و زمان خاص دارد؛ اما پیام سایر رسانه ها شرایط و زمان و مکان خاصی ندارد.

۱۱. پیام مسجد برخلاف سایر رسانه ها، آرامش بخش است؛

۱۲. در طول تاریخ هیچ مسجدی مخاطبان خود را از مسیر حق منحرف نساخته است؛ ولی در بسیاری رسانه ها چنین نیست.

ه. آشنایی با موضوعاتی در مورد مسجد

۱. حضور زنان

حضور بانوان در مساجد یکی از موارد اختلاف بین شیعه و سنی است. مسلم است که حضور ایشان در این مکان و کسب معارف دینی، نه تنها در تربیت فرزندان، بلکه در محیط خانواده بسیار مؤثر است؛ زیرا اطلاعات و دانش دینی مردم در یک جامعه اسلامی از گذشته های دور تا کنون از این طریق به دست می آمده و می آید. به تعبیر دیگر، این اماکن، کانون اصلی نشر معارف دینی به شمار می روند؛ از همین روی، حضور نداشتن بانوان در مساجد،

به طور طبیعی، ناآگاهی آنان از احکام و مسائل دینی و در نتیجه، نوعی عقب ماندگی فرهنگی در پی خواهد داشت و این امر در مناطقی که حضور زنان در مساجد رسم و عادت نیست، آشکارا مشاهده می شود. با بررسی روایاتی که خانه‌ها را بهترین مساجد برای زنان معرفی می کند^۱ و نیز احادیثی که به رفت و آمد آنان به این اماکن پرداخته اند،^۲ می توان نتیجه گرفت که ملاک مسجد رفتن یا نرفتن بانوان، حفظ حجاب و مصونیت آنان است؛ چه، اگر زن بتواند خود را در مسیر رفت و آمد و نیز در مسجد، کاملاً مصون نگه دارد، استحباب و فضیلت رفت و آمد برای آنان نیز محفوظ خواهد ماند. حضرت امام خمینی^{ره} در مسئله ۸۹۴ رساله عملیه خویش می فرماید:

«برای زن‌ها نماز خواندن در خانه، بلکه صندوق خانه و اتاق عقب بهتر است؛ ولی اگر بتوانند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند، بهتر است در

مسجد نماز بخوانند.»^۳

افزون بر این، ظهور و علنی شدن اسلام، در نماز جماعت و در مسجد

۱. امام صادق^{علیه السلام} می فرماید: خَيْرُ مَسَاجِدِ نِسَائِكُمُ الْبُيُوتُ؛ «خانه‌ها، بهترین مساجد برای زن‌های شما هستند.» (من لا يحضره الفقيه، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، ج ۱، ص ۲۳۸)

در کتاب روضة المتقين در شرح این روایت آمده است: لانهما اقرب الی عصمتهن و سترهن؛ «چراکه [نماز خواندن زنان در خانه] به عصمت و عفاف آنان نزدیک تر است.» (محمد تقی مجلسی، ج ۲، ص ۱۰۷)

۲. پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} فرمودند: إِذَا اشْتَأَذَتْ أَحَدُكُمْ امْرَأَتُهُ إِلَى الْمَسْجِدِ فَلَا يَمْنَعُهَا؛ «هرگاه یکی از زنان شما برای رفتن به مسجد اجازه گرفت، مانع آن‌ها نشوید.» (الجامع لأحكام القرآن، محمد بن احمد قرطبی، ج ۵، ص ۱۸۷؛ مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ج ۳، ص ۴۴۶)

۳. توضیح المسائل مراجع، سید محمد حسن بنی هاشمی خمینی، ج ۱، ص ۴۷۱.

و با حضور اولین زن مسلمان، حضرت خدیجه برگزار می گردید.^۱

۲. کودک و مسجد

یکی از مسائل دیگر، ورود کودکان به مسجد است. برخی با استدلال به روایت رسول گرامی اسلام^{صلی الله علیه و آله} درباره جلوگیری از ورود اطفال به مساجد، مانع ورود آنان می شوند؛^۲ در حالی که در مقابل به روایاتی برمی خوریم که بیانگر جواز ورود کودکان به مساجد است.

رسول خدا^{صلی الله علیه و آله} می فرماید:

إِنِّي لَا قَوْمٌ فِي الصَّلَاةِ أُرِيدُ أَنْ أَطْوَلَ فِيهَا فَاسْمَعُ بُكَاءَ الصَّبِيِّ فَاتَجَوَّزُ فِي

صَلَاتِي كِرَاهِيَةً أَنْ أَشُقَّ عَلَى أُمَّهِ؛^۳ «من به نماز می ایستم و می خواهم آن

را طولانی سازم، پس صدای گریه کودکی را می شنوم و چون خوش

نمی دارم که بر مادر او سخت بگذرد، نماز را سبک برگزار می کنم.»

جابر می گوید: از امام باقر^{علیه السلام} درباره کودکانی که در نماز واجب حضور

می یابند پرسیدم. حضرت فرمود:

۱. الاستيعاب في معرفة الأصحاب، أبو عمر يوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، ج ۳، ص ۱۰۹۶؛ أسد الغاية في معرفة الصحابة، عزالدین بن الأثير أبو الحسن علی بن محمد الجزری (ابن اثیر)، ج ۳، ص ۵۴۶؛ تاریخ الأمم والملوك، أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، ج ۲، ص ۳۱۲؛ سبل الهدی و الرشاد فی سیرة خیر العباد، شمس الدین ابو عبدالله صالحی شامی، ج ۱۰، ص ۸۲؛ الطبقات الکبری، محمد بن سعد الهاشمی البصری (ابن سعد)، ج ۸، ص ۱۴؛ الکامل فی التاریخ، عزالدین أبو الحسن علی بن ابی الکریم (ابن الأثير)، ج ۲، ص ۵۷.

۲. رسول خدا^{صلی الله علیه و آله} می فرماید: جَبُّوا مَسَاجِدَكُمْ صِبْيَانَكُمْ وَ مَجَانِينَكُمْ؛ «از مساجدتان، دیوانگان و کودکان خود را دور نگه دارید.» (تهذیب الأحکام، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، ج ۳، ص ۲۵۴)؛ شبیه این روایت در سنن ابی عبدالله محمد بن یزید قزوینی (ابن ماجه)، ج ۱، ص ۲۴۷ آمده است.

۳. السیرة النبویه، سید علی حسنی ندوی، ص ۵۷۵؛ ریاض الصالحین من کلام سید المرسلین، یحیی بن شرف نووی دمشقی، ص ۸۲؛ شبیه این روایات در إمتاع الأسماع، تقی الدین أحمد بن علی المقریزی، ج ۲، ص ۲۴۰؛ سبل الهدی و الرشاد فی سیرة خیر العباد، محمد بن یوسف الصالحی الشامی، ج ۷، ص ۲۷ ذکر شده است.

لَا تُؤَخِّرُوهُمْ عَنِ الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ وَفَرَّقُوا بَيْنَهُمْ^۱ «آنان را در آخر صف‌های جماعت با هم نگذارید؛ بلکه آن‌ها را [بین بزرگسالان] پراکنده سازید.»

از این دو دسته روایت به دست می‌آید که سخن رسول خدا ﷺ مبنی بر منع ورود اطفال به مسجد، دربارهٔ کودکانی است که در شیطنت و شلوغی مانند دیوانگان عمل می‌کنند و در صورت حضور در مسجد، موجب آلودگی و ناپاکی یا ایجاد بی‌نظمی نامتعارف در مسجد می‌شوند.^۲

شهید مطهری رحمته الله در کتاب گفتارهای معنوی، ذیل آیه **«وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا»**^۳ می‌فرماید:

«... بچه‌ها را از کوچکی باید به نماز تمرین داد... به تجربه ثابت شده است که اگر بچه به مسجد نرود، اگر در جمع نباشد و نماز خواندن جمع را نبیند، به این کار تشویق نمی‌شود؛ چون اصلاً حضور در جمع، مشوق انسان است. آدم بزرگ هم، وقتی خودش را در جمع اهل عبادت می‌بیند، روح عبادت بیشتری پیدا می‌کند؛ بچه که دیگر بیشتر تحت تأثیر است. متأسفانه کم‌رفتن ما به مسجد و معابد و مجالس دینی و اینکه بچه‌ها کمتر در مجالس مذهبی شرکت می‌کنند، سبب می‌شود که اینها از ابتدا رغبت به عبادت پیدا نکنند.»^۴

همچنین باید به این نکته ظرف توجه داشت که ممانعت از حضور کودک،

ممانعت از حضور مادری است که بیش از همه به آموزش، کسب فضائل، اخلاق و معنویت و تهذیب نفس، به منزلهٔ اساسی‌ترین ابزار مربیگری اسلامی نیازمند است.

به نظر می‌رسد اختصاص مکانی به عنوان مهد کودک در زمان نماز جماعت، ایجاد فضای سبز و تهیه سرگرمی‌های مناسب با شأن مسجد برای استفاده کودکان، زمینهٔ حضور بیشتر خانواده‌ها را به این مکان، فراهم خواهد آورد و از مزاحمت کودکان هنگام نماز، خواهد کاست.

۳. همسایه مسجد

گرچه بر حضور همهٔ افراد در مسجد تأکید شده است، اما اولیای دین علیهم السلام بر حضور همسایگان مسجد سفارش ویژه کرده‌اند. در برخی روایات، همسایگان این مکان ارزشمند، شامل چهل خانه از هر طرف و در برخی روایات، شامل کسانی است که صدای اذان مسجد را می‌شنوند. امام علی علیه السلام در مقام تأکید بر این امر می‌فرماید:

لَيْسَ لِجَارِ الْمَسْجِدِ صَلَاةٌ إِذَا لَمْ يَشْهَدْ الْمَكْتُوبَةَ فِي الْمَسْجِدِ إِذَا كَانَ فَارِغًا صَحِيحاً؛^۱ «همسایهٔ مسجد اگر مانعی نداشته و سالم باشد و با این حال برای نماز واجب در مسجد حاضر نشود، نمازش مقبول درگاه الهی نخواهد بود.»

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

شَكَتِ الْمَسَاجِدُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى الَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَهَا مِنْ جِيرَانِهَا فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهَا وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا قَبْلَتُ لَهُمْ صَلَاةٌ وَاحِدَةٌ... وَلَا نَأْتَهُمْ

۱. بحارالانوار، محمد باقر مجلسی (علامه مجلسی)، ج ۸۰، ص ۳۵۴؛ شبیه این کلام در *احیاء العلوم*، محمد بن محمد غزالی، ج ۲، ص ۲۷۱؛ *تفسیر القرآن العظیم*، اسماعیل بن عمرو ابن‌کثیر دمشقی، ج ۶، ص ۶۰ آمده است.

۱. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۳، ص ۴۰۹.

۲. مسجد نهاد عبادت و ستاد ولایت، حسن رهبری، ص ۱۹۹-۲۰۰.

۳. «خانوادهٔ خود را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکبیا باش». (سوره طه، آیه ۱۳۲)

۴. مجموعه آثار، مرتضی مطهری، ج ۲۳، ص ۵۲۹.

رَحْمَتِي وَلَا جَاوِرُونِي فِي جَنَّتِي؛^۱» [برخی] مساجد از همسایگانی که به مسجد حاضر نمی‌شوند، به خداوند متعال شکایت می‌کنند. خداوند به آنان وحی می‌فرماید که به عزت و جلالم سوگند! [حتی] یک نماز [در غیر مسجد] از آنان نخواهم پذیرفت و رحمتم را شامل حالشان نخواهم نمود و [آنان] را در بهشت، همسایه خود قرار نخواهم داد.»

۴. اهمیت خواندن نماز صبح در مسجد

بیشترین سفارش از میان نمازهای یومیه، درباره خواندن نماز صبح در مسجد است. اهمیت این مطلب در روایت ذیل به خوبی هویداست:

رسول خدا ﷺ به حضرت علی عليه السلام می‌فرماید:

يَا عَلِيُّ إِنَّ مَنْ صَلَّى الْعِدَاةَ فِي جَمَاعَةٍ فَكَأَنَّمَا قَامَ اللَّيْلَ كُلَّهُ رَاكِعًا وَ سَاجِدًا؛^۲ «به یقین کسی که نماز صبح را به جماعت بخواند، همانند آن است که تمام شب را در حال رکوع و سجود بوده است.»

همچنین می‌فرماید:

لَا أَنْ أُصَلِّيَ الصُّبْحَ فِي جَمَاعَةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُصَلِّيَ لَيْلَتِي حَتَّى أَصْبِحَ؛^۳ «اگر نماز صبح را به جماعت بخوانم، در نظرم محبوب‌تر از عبادت و شب‌زنده‌داری تا صبح است.»

روزی پیامبر ﷺ [طبق معمول] برای ادای نماز صبح با جماعت، وارد مسجد شدند. پس از نماز به پشت سر نگاه کردند و دیدند گروهی از مسلمانان برای نماز نیامده‌اند. آن حضرت نام آنها را به زبان آورد و فرمود:

۱. امالی، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، ص ۶۹۶؛ وسائل الشیعه، محمد بن الحسن حر عاملی، ج ۵، ص ۱۹۶.

۲. دعائم الإسلام، نعمان بن محمد تمیمی مغربی، ج ۱، ص ۱۵۳.

۳. کنز العمال، حسام‌الدین هندی، ج ۸، ص ۲۵۳، ح ۲۲۷۹۲.

«آیا این افراد در نماز شرکت داشتند؟ حاضران عرض کردند: نه! پیامبر ﷺ فرمود:

أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ صَلَاةٍ أَشَدَّ عَلَيَّ الْمُتَأَفِّقِينَ مِنْ هَذِهِ الصَّلَاةِ وَالْعِشَاءِ وَ لَوْ عَلِمُوا أَيُّ فَضْلٍ فِيهِمَا لِأَتَوْهُمَا وَ لَوْ حَبَوًّا؛^۱ «آگاه باشید! بر افراد منافق، نمازی سخت‌تر از این نماز و نماز عشا نیست. اگر آنها یاداش بسیار نماز صبح و عشا را [با جماعت] درمی‌یافتند، گرچه چهار دست و پا (مانند راه‌رفتن کودکان شیرخوار) باشد، خود را به این دو نماز [به جماعت] می‌رساندند.»

۱. تهذیب الأحکام، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، ج ۳، ص ۲۵؛ معتصم الشیعه فی الأحکام الشریعه، ملا محسن فیض کاشانی، ج ۳، ص ۲۵۹.

گفتار چهارم: وظایف در قبال دست‌اندرکارانِ مسجد

الف - امام جماعت

امام جماعت از جمله مسئولیت‌های سنگینی است که از عهده هرکس ساخته نیست و تنها امام جماعتی توان انجام این مهم را دارد که از شرایط لازم برخوردار باشد. رسول خدا ﷺ درباره اهمیت وجود فردی افضل به عنوان امام و پیشوا می‌فرماید:

إِمَامُ الْقَوْمِ وَإِدْبَارُهُمْ فَقَدَّمُوا أَفْضَلَكُمْ^۱ «امام و پیشوای جماعت، کسی است که می‌خواهد بین مخلوق و خالق وساطت کند، پس افضل مردم را مقدم بدارد.»

در بررسی کتب فقهی به این نتیجه می‌رسیم که اولین شرط برای امام جماعت، دارا بودن عدالت است.^۲

عدالت یک حالت خداترسی است که انسان را از انجام گناه کبیره و تکرار گناه صغیره باز می‌دارد و همین اندازه که با کسی معاشرت داشته باشیم و گناهی از او نبینیم، نشانه وجود عدالت است.^۳

امام خمینی رحمته الله علیه می‌فرماید: «امام جماعت باید بالغ و عاقل و شیعه دوازده امامی و عادل و حلال‌زاده باشد و نماز را به طور صحیح بخواند.»^۴ از شرایط دیگر امام جماعت، برخورداری از مقبولیت و پذیرش

اجتماعی میان نمازگزاران است تا او بتواند مسجد را در زمینه‌های گوناگون فعال و پویا سازد. بنابراین هیچ امام جماعتی حق ندارد برخلاف میل و نظر اکثریت مردم، امام جماعت مسجدی را بپذیرد.

رسول اکرم ﷺ امام جماعتی را که نمازگزاران، امامت او را خوش نمی‌دارند، در ردیف افرادی قرار داده است که زکات نمی‌دهد:

ثَمَانِيَةٌ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ لَهُمْ صَلَاةَ الْعَبْدِ الْإِيْقُ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَوْلَاهُ
وَالنَّاشِزُ عَنْ زَوْجِهَا وَهُوَ عَلَيْهَا سَاخِطٌ وَ مَانِعُ الزَّكَاةِ وَ إِمَامٌ قَوْمٍ
يُصَلِّي بِهِمْ وَ هُمْ لَهُ كَارِهُونَ ...؛ «هشت طایفه‌اند که خداوند از آنها نمازی را نمی‌پذیرد: بنده فراری تا وقتی که به سوی مولایش برگردد؛ زن ناشزه‌ای که همسرش بر او خشمناک باشد؛ منع‌کننده زکات؛ و امام [جماعت] قومی که نماز بخواند با اینکه مردم از وی کراهت داشته باشند...»

به یقین امام جماعتی که علاوه بر سایر شرایط، دارای شرط عدالت و محبوبیت نیز باشد، مصداق بارز کسی است که مساجد را آباد می‌کند؛ چراکه بدون امام جماعتی شایسته، گرچه مسجدیان در فضیلت و پاداش حضور در مسجد برخوردار می‌شوند، ولی فیض بزرگ نماز جماعت را از دست خواهند داد، بلکه برخی از مؤمنان که جز با حضور در نماز جماعت از به جای آوردن نماز صحیح عاجزند، قادر به انجام وظیفه دینی خود به طور صحیح نخواهند بود.

گفتنی است گرچه لازم است امام جماعت، الگو و نمونه، و دارای ویژگی‌های فراوانی باشد؛ اما نباید انتظار داشت هر امام جماعتی از تمام ویژگی‌ها برخوردار باشد؛ چراکه تنها حضرات معصومین علیهم‌السلام از هر عیب و

۱. من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، ج ۱، ص ۳۷۷؛ المحجة البيضاء، محمد بن شاه مرتضی (ملا محسن فیض کاشانی)، ج ۲، ص ۵.

۲. الجمل و العقود فی العبادات، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، ص ۲۴۴؛ الوسائل التسع، جعفر بن حسن حلّی (محقق حلّی)، ص ۳۴۵.

۳. توضیح المسائل مراجع، سید محمد حسن بنی‌هاشمی خمینی، ج ۱، ص ۷۴۳.

۴. توضیح المسائل مراجع، سید محمد حسن بنی‌هاشمی خمینی، ج ۱، ص ۷۴۲.

نقصی به دور هستند و ثانیاً چه بسا برخی انتظارات نابجا، انسان را از فیض حضور در مسجد و نماز جماعت محروم می‌نماید.

نکته مهم دیگر که موجب غفلت مؤمنان قرار گرفته، لزوم قدردانی و سپاسگزاری از امام جماعت است؛ چراکه امام جماعت سفیر بین خدا و نمازگزاران است. امام جماعت افزون بر آنکه صحت نماز نمازگزاران را تقبل نموده، در حمد و سوره به جای آنان خداوند متعال را ستایش کرده و از جانب همه نمازگزاران دعا و ثنای الهی می‌گوید؛ به همین دلیل امام سجاد علیه السلام در رساله حقوق خود برای امام جماعت حقی قائل شده است:

أَمَّا حَقُّ إِمَامِكَ فِي صَلَاتِكَ فَإِنَّ تَعَلَّمَ أَنَّهُ تَقَلَّدَ السَّفَارَةَ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ رَبِّكَ عَزَّ وَجَلَّ وَ تَكَلَّمَ عَنْكَ وَ لَمْ تَتَكَلَّمْ عَنْهُ وَ دَعَا لَكَ وَ لَمْ تَدْعُ لَهُ وَ كَفَاكَ هَوْلَ الْمَقَامِ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَإِنْ كَانَ نَقَصَ كَانَ عَلَيْهِ دُونَكَ وَإِنْ كَانَ تَمَامًا كُنْتَ شَرِيكُهُ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ عَلَيْكَ فَضْلٌ فَوْقَى نَفْسِكَ بِنَفْسِهِ وَ صَلَاتِكَ بِصَلَاتِهِ فَتَشْكُرُ لَهُ عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ؛^۱ «اما حق امام جماعت این است که بدانی او سفارت و وساطت میان تو و خدای تو را به عهده گرفته و نماینده تو در درگاه پروردگار است. او از جانب تو سخن می‌گوید و تو از طرف او سخنی نمی‌گویی. او برای تو دعا می‌کند،^۲ بی‌آنکه تو از جانب وی دعا کنی و تو را از بیم و هراس ایستادن در برابر خداوند کفایت می‌کند. پس اگر در نماز کاستی باشد، به عهده اوست و اگر تمام [و کامل] باشد، تو با او شریک هستی و او را نسبت به تو برتری نیست. او جان تو را با جان

۱. الأمامی، محمد بن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، ص ۳۷۲؛ مکارم الأخلاق، حسن بن فضل طبرسی، ص ۴۲۲.

۲. امام جماعت در قرائت سوره حمد با جملاتی همچون «اهدنا الصراط المستقیم»؛ «ما را به راه راست هدایت کن»، خیر و سعادت نمازگزاران را از خداوند منان درخواست می‌کند.

خویش و نماز تو را با نماز خویش حفظ کرده، پس به همان اندازه از او سپاسگزار باش.»

این سخن امام نشان‌گر آن است که امام جماعت در نگاه اولیای دین علیهم السلام از منزلتی والا و جایگاهی ارجمند برخوردار است. متأسفانه قدرشناسی از امام جماعت که یک شیوه و روش اسلامی است چندان در میان ما رایج نیست، هرچند آنان با قصد تقرب به بارگاه الهی، بار سنگین امام جماعتی را به دوش می‌کشند، اما جا دارد ما نیز سپاسگزار زحمت‌های آنان باشیم و تلاش‌هایشان را در عمران و آبادانی ظاهری و باطنی مسجد ارج نهیم.

ب- خادم

مروری بر آیات و روایات نشانگر آن است که مسجد پس از کعبه، خانه خداست؛ به همین دلیل اولیای دین علیهم السلام رفت و آمد به مسجد را دارای ثواب و پاداش بسیاری دانسته و اهل مسجد را زائر خدا معرفی کرده‌اند. امام حسن علیه السلام می‌فرمایند:

أَهْلُ الْمَسْجِدِ زُؤَارُ اللَّهِ وَ حَقُّ عَلَى الْمَرْوْرِ التُّحَفَةُ لِزَائِرِهِ؛^۱ «اهل مسجد

زائران خدایند و بر صاحب‌خانه است که به زائرش تحفه‌ای عطا کند.»

بنابراین اگر مسجد خانه خداست و اگر اهل مسجد زوار خانه خدایند، پس خدمتگزاران مسجد نیز از ارج و احترام خاصی برخوردارند. افزون بر امام مسجد، همه کسانی که خود را وقف خدمت به مسجد کرده‌اند، دارای احترام ویژه هستند. در این میان نباید زحمات خادم مسجد، نادیده گرفته

۱. ارشاد القلوب، حسن بن محمد دیلمی، ج ۱، ص ۷۷.

شود؛ چراکه برخلاف پندار برخی که خادم مسجد را سرایدار و نظافتچی می‌پندارند، خادم مسجد کسی است که با حضور دائمی خویش در مسجد، این زیارتگاه را برای حضور مؤمنان آماده می‌سازد. او با حضور دائمی خویش در مسجد، همانند معتکفان در خانه خداست و این سعادت است که نصیب هر فردی نمی‌شود.

چه زیبا است که برخی همانند خادمان حرم امامان معصوم علیهم‌السلام، خود را خادم افتخاری مسجد نامیده، مدت معینی از وقت خود را به صورت هفتگی یا ماهیانه و با هماهنگی امام جماعت به خدمت در مسجد می‌گذرانند و از توانایی و حرفه خویش برای رفع نیازهای مسجد استفاده می‌کنند. برخی متخصصان پزشکی نیز به عنوان خادم افتخاری مسجد به صورت هفتگی یا ماهیانه به معالجه بیماران می‌پردازند تا در پاداش عمران و آبادانی مسجد سهیم باشند.^۱

در مقابل، خادم نیز احترام خاصی برای زائران مسجد قائل است و از اعمال سلیقه‌های شخصی مثل بستن در مسجد پس از نماز جماعت، سوءرفتار با کودکان و ... پرهیز می‌کند.

فصل دوم

۱. حضور در مسجد و تلاش برای فراهم آوردن حضور دیگران در مسجد، نوعی عمران مساجد است.

در فصل پیشین اشاره شد که بیان آثار و فواید مسجد و حضور در آن، نقش تأثیرگذاری در حضور مردم و جوانان در مسجد دارد و این حضور، بسیاری از نقشه‌های دشمنان را خنثی می‌کند.

با کمی تأمل، به این نکته پی می‌بریم که دشمنان تمام توان خود را به کار می‌برند تا مساجد را به عنوان پایگاه ضد استکباری، خلوت و خالی کنند. رهبر کبیر انقلاب اسلامی علیه السلام بارها بر نقش محوری مسجد در خنثی سازی نقشه‌های دشمنان اسلام تأکید کرده، می‌فرماید:

«اینها از مسجد می‌ترسند، من تکلیفم را باید ادا کنم، به شما بگویم، شما دانشگاهی‌ها، شما دانشجوها، همه‌تان مساجد را بروید پر کنید. سنگر هست اینجا. سنگرها را باید پر کرد.»^۱

همچنین می‌فرمایند:

«مساجد و محافل دینی را که سنگرهای اسلام در مقابل شیاطین است، هرچه بیشتر گرم و مجهز نگه دارید.»^۲

پس لازم است آثار و نتایج انس با مسجد و نیز پیامدهای حضور نیافتن در مسجد، در محافل مختلف بازگو شود و این وظیفه نه تنها بر عهده روحانیان و ائمه جماعات، بلکه بر عهده تک تک افراد مسجدی است که در هر فرصتی، حتی در جمع‌های خانوادگی، تأثیرات حضور در مسجد و پیامدهای مأنوس نبودن با آن را بازگو کنند.

گفتار اول: راز و رمز حضور در مسجد

راز و رمز حضور در مسجد را می‌توان در لابه‌لای کلمات گهربار معصومان علیهم السلام جست‌وجو کرد؛ راز و رمزی که موجب شده است اهل مسجد نجیب‌ترین هر خانواده و گل سرسبد هر قبیله و فامیل معرفی شوند؛^۱ همنشین ملائکه باشند؛^۲ با خدا مأنوس باشند و خدا نیز با آنان مأنوس باشد؛^۳ زواری خداوند متعال نام گیرند^۴ و به آسانی از پل صراط بگذرند^۵ و پرچم‌داران بهشت شوند.^۶ به یقین اگر انسان مؤمن نسبت به ارزش و شرافت این جایگاه معرفت یابد، دیگر هیچ روزی نیست که در مسجد حضور نیابد.

برای شناخت اهمیت حضور در مسجد و آثار و برکات آن، توجه به چند نکته ضروری است:

۱. زیارت خانه خدا

برخلاف تصور برخی که تنها زائران بیت‌الله الحرام را زائر می‌دانند، از فرهنگ اهل بیت علیهم السلام می‌آموزیم که زیارت خانه خدا منحصر به حضور در مکه و مسجد الحرام نیست؛ بلکه خداوند متعال، انسان مسجدی را زائر خود خوانده و بر بزرگداشت او تصریح کرده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

۱. امامی، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، ص ۴۷؛ البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، ج ۴، ص ۱۷۸.

۲. کنز العمال، حسام‌الدین هندی، ج ۷، ص ۵۸۰، ش ۲۰۳۵۰.

۳. عوالی اللالی، محمد بن علی احسانی (ابن ابی‌جمهور)، ج ۲، ص ۳۲؛ الدر المنثور فی تفسیر المأثور، جلال‌الدین سیوطی، ج ۳، ص ۲۱۷؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود زمخشری، ج ۲، ص ۲۵۵.

۴. کنز العمال، حسام‌الدین هندی، ج ۷، ص ۵۸۰، ش ۲۰۳۴۷.

۵. همان، ش ۲۰۳۴۹.

۶. مکارم الأخلاق، حسن بن فضل طبرسی، ص ۴۶۱.

۱. صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ج ۱۲، ص ۳۹۳.

۲. همان، ج ۲، ص ۴۵۱.

قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَلَا إِنَّ بُيُوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ تُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ أَلَا طُوبَى لِمَنْ كَانَتْ الْمَسَاجِدُ بُيُوتَهُ أَلَا طُوبَى لِعَبْدٍ تَوَضَّأَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي أَلَا إِنَّ عَلَيَّ الْمَزُورِ كَرَامَةَ الزَّائِرِ أَلَا بَشِّرِ الْمَشَاءِينَ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛^۱ «خداوند متعال می‌فرماید: مساجد خانه‌های من در روی زمین‌اند که برای اهل آسمان می‌درخشند، همان‌گونه که ستارگان برای ساکنان زمین می‌درخشند. خوشا به حال آن بنده‌ای که مساجد (خانه‌های من) خانه‌های او باشد! خوشا بر آن بنده‌ای که در خانه خود وضو بگیرد و مرا در خانه خودم (مسجد) زیارت کند، که گرامی داشتن زیارت‌کننده بر زیارت‌شونده لازم و واجب است! به آنان که در تاریکی شب به سوی خانه‌های من (مساجد) گام برمی‌دارند بشارت باد به داشتن نوری درخشان در روز قیامت.»

پس ما هم می‌توانیم همه روزه، برای اقامه نماز یا عبادت و راز و نیاز یا تنها به قصد زیارت خانه خدا به عنوان زائر خدا در مسجد حضور یابیم و از معنویت آن بهره‌مند گردیم.

گفتمنی است که در سایه حضور در مسجد و زیارت خانه خدا، مؤمنان، یکدیگر را نیز می‌بینند و از حال یکدیگر آگاه می‌شوند. در سخنان معصومان علیهم‌السلام چنین دیداری که رنگ و بویی جز انگیزه خدایی ندارد، همانند زیارت خداوند متعال تعبیر شده است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به داماد خویش می‌فرماید:

يَا عَلِيُّ ثَلَاثَةٌ مِنْ حُلَلِ اللَّهِ رَجُلٌ زَارَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فِي اللَّهِ فَهُوَ زَوَّرَ اللَّهُ وَ حَقُّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ زَوْرَهُ...؛^۱ «ای علی! سه چیز از زینت‌های خداست: [اولین آن] فردی که برادر مؤمنش را برای خدا دیدار کند، پس او خدا را زیارت کرده و بر خداست که زائرش را گرامی دارد و هرچه از خدا بخواهد، به او بدهد.»

بنابراین مؤمنان با حضور در مسجد، افزون بر زیارت مسجد، مؤمنان را نیز زیارت کرده، پاداش آن را درک می‌نمایند.

۲. دعا و راز و نیاز

دعا در مسجد از جلوه‌های یاد خدا و ذکر نام نیکوی اوست. آنچه از سخنان معصومان علیهم‌السلام به دست می‌آید تأکید بر دعا، به خصوص در مساجد است. سیره عملی پیشوایان دین نشان می‌دهد آن بزرگواران در مسجد حاضر می‌شدند و حاجات خود را در این مکان مقدس از خداوند منان می‌طلبیدند. معاویه بن عمار از قول امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که فرمود:

كَانَ أَبِي إِذَا طَلَبَ الْحَاجَةَ طَلَبَهَا عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ فَإِذَا أَرَادَ ذَلِكَ قَدَّمَ شَيْئاً فَتَصَدَّقَ بِهِ وَ شَمَّ شَيْئاً مِنْ طِيبٍ وَ رَاحَ إِلَى الْمَسْجِدِ وَ دَعَا فِي حَاجَتِهِ بِمَا شَاءَ اللَّهُ؛^۲ «پدرم امام محمد باقر علیه‌السلام حاجت‌های خود را هنگام ظهر از خداوند متعال درخواست می‌کرد. او هرگاه حاجتی داشت ابتدا صدقه می‌داد و بوی خوش به کار می‌برد، آن‌گاه سوی مسجد می‌شتافت و حاجت خود را در آنجا از خداوند درخواست می‌کرد.»

۱. وسائل الشیعه، محمد بن الحسن حر عاملی، ج ۱، ص ۳۸۱؛ المحاسن، احمد بن خالد برقی، ج ۱، ص ۴۷. شبیه این روایت در تفسیر القرآن العظیم، اسماعیل بن عمرو ابن‌کثیر دمشقی، ج ۶، ص ۵۷ و تفسیر القرآن العظیم، عبدالرحمن بن محمد ابن ابی‌حاتم، ج ۸، ص ۲۶۰۵ ذکر شده است.

۱. تحف العقول عن آل الرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، حسن بن علی حرانی (ابن شعبه)، ص ۷.

۲. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۲، ص ۴۷۷؛ عدة الداعی و نجات الساعی، ابن‌فهد حلی، ص ۵۶.

این توجه خاص به جایگاه ممتاز مسجد باعث می شود در اوج فشارهای امویان بر پیروان امام سجاد علیه السلام، آن حضرت، فرزند گرامی اش امام باقر علیه السلام را فرمان دهد تا به مسجد برود و برای رفع گرفتاری های شیعیان دعا کند.^۱

امام صادق علیه السلام در بیانی دیگر می فرماید:

إِنْ أَحَدَكُمْ إِذَا مَرَضَ دَعَا الطَّيِّبَ وَأَعْطَاهُ وَإِذَا كَانَتْ لَهُ حَاجَةٌ إِلَى سُلْطَانٍ رَشَا الْبُيُوتَابَ وَأَعْطَاهُ وَلَوْ أَنْ أَحَدَكُمْ إِذَا فَدَحَهُ أَمْرٌ فَرَعَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فَتَطَهَّرَ وَتَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ قَلَّتْ أَوْ كَثُرَتْ ثُمَّ دَخَلَ الْمَسْجِدَ فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ وَصَلَّى عَلَى النَّبِيِّ وَأَهْلِ بَيْتِهِ ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنْ عَافَيْتَنِي مِنْ مَرَضِي أَوْ رَدَدْتَنِي مِنْ سَفَرِي أَوْ عَافَيْتَنِي مِمَّا أَخَافُ مِنْ كَذَا وَكَذَا إِلَّا آتَاهُ اللَّهُ ذَلِكَ وَهِيَ الْبَيْمِينُ الْوَاجِبَةُ...^۲ «هرگاه مریض می شوید به طیب مراجعه می کنید و پول می دهید و اگر با سلطان کاری داشته باشید به دربان رشوه می دهید [تا خواسته شما انجام گیرد]، حال اگر هنگام گرفتاری به خداوند عزوجل تضرع کنید و وضو گرفته، کم یا زیاد صدقه دهید به مسجد بروید و دو رکعت نماز بخوانید و حمد و ثنای خدای متعال را گفته، بر نبی و آلش درود فرستید و [سپس این دعا را] بگویید: خداوندا! درخواست دارم که مرا از بیماری ام نجات بخشی یا به سلامت از سفر بازگردانی یا از آنچه می ترسم نگهداری ام کنی؛ خداوند

حاجت شما را برآورده می سازد. این استجابت به سبب وعده او است که به پاس آن وعده، واجب است که خداوند متعال حاجت شما را برآورده سازد.»

۳. اقامه نماز

برگزاری نماز به جماعت، در اسلام بسیار سفارش شده و خداوند متعال، نتایج دنیوی و پاداش اخروی فوق العاده ای برای آن در نظر گرفته است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

أَمَّا الْجَمَاعَةُ فَإِنَّ صُفُوفَ أُمَّتِي كَصُفُوفِ الْمَلَائِكَةِ وَالرَّكْعَةَ فِي الْجَمَاعَةِ أَرْبَعٌ وَعِشْرُونَ رَكْعَةً كُلُّ رَكْعَةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ عِبَادَةِ أَرْبَعِينَ سَنَةً؛^۱ «همانا صفهای نماز جماعت امت من همچون صفهای فرشتگان آسمان است و گزاردن یک رکعت با جماعت معادل بیست و چهار رکعت است که هر رکعت آن در نظر خداوند محبوب تر از عبادت چهل سال است.»

حضرت علی علیه السلام در بیان یکی از موعظه های لقمان به فرزندش می فرماید:

وَصَلِّ فِي جَمَاعَةٍ وَلَوْ عَلَى رَأْسِ رُجٍّ؛^۲ «نماز را به جماعت بخوان اگرچه بر نوک پیکان [و در سخت ترین شرایط] باشد.»

بررسی دستوره های اسلام نشان می دهد، نماز جماعتی کامل است که در مسجد برگزار شود و مهم تر آنکه امامان معصوم علیهم السلام خواندن نماز جماعت

۱. الاختصاص، محمد بن نعمان بغدادی (شیخ مفید)، ص ۳۹؛ الخصال، محمد بن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، ج ۲، ص ۳۵۵.

۲. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۸، ص ۳۴۹.

۱. المناقب، محمد بن علی مازندرانی (ابن شهر آشوب)، ج ۴، ص ۱۸۳؛ بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطهار علیهم السلام، محمد باقر مجلسی (علامه مجلسی)، ج ۴۶، ص ۲۶۰.

۲. المقننه، محمد بن محمد بن نعمان مفید (شیخ مفید)، ص ۲۲۰؛ الوافی، محمد بن شاه مرتضی (ملا محسن فیض کاشانی)، ج ۹، ص ۱۴۲۷؛ تهذیب الاحکام، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، ج ۳، ص ۱۸۲؛ مکارم الأخلاق، حسن بن فضل طبرسی، ص ۳۲۵؛ من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، ج ۱، ص ۵۵۸.

خارج از مسجد را بدون علت منع کرده‌اند. امام صادق علیه السلام درباره اهمیت نماز جماعت در مسجد فرموده است:

مَنْ صَلَّى فِي بَيْتِهِ جَمَاعَةً رَغِبَةً عَنِ الْمَسْجِدِ فَلَا صَلَاةَ لَهُ وَلَا لِمَنْ صَلَّى مَعَهُ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ تَمْنَعُ مِنَ الْمَسْجِدِ؛^۱ «هرکس از سر بی میلی به مسجد، در خانه اش نماز جماعت بخواند، برای او نمازی نخواهد بود؛ حتی برای کسانی که با او نماز خوانده‌اند؛ مگر اینکه علتی مانع از حضور در مسجد باشد.»

بنابراین، اصل، حضور در مسجد است و نماز خواندن حتی به جماعت، در غیر مسجد و بدون عذر، همچون نخواندن شمرده می شود.

افزون بر سفارش معصومان علیهم السلام بر اقامه نماز جماعت در مسجد، خواندن نمازهای واجب برای کسانی که توفیق حضور در جماعت نداشته‌اند نیز مورد تأکید قرار گرفته است.^۲

علما نیز تصریح کرده‌اند که حاضر نشدن به نماز جماعت از روی بی‌اعتنایی جایز نیست و سزاوار نیست که انسان بدون عذر، نماز جماعت را ترک کند.^۳

مرحوم فیض کاشانی می‌فرماید: «ترک نماز جماعت در روایات پرشماری که قابل شمارش نیست، به شدت نهی شده است.»^۴

گفتار دوم: ویژگی‌های اهل مسجد

خداوند متعال در آیات مربوط به مسجد قبا با جمله‌ای کوتاه، ولی پر محتوا، ویژگی اصلی نمازگزاران شایسته را چنین بیان کرده است:

«فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ»؛^۱ «در آن،

مردانی هستند که دوست می‌دارند پاکیزه باشند و خداوند پاکیزگان را دوست دارد.»

با توجه به اینکه پاکی در این آیه، قیدی ندارد، روشن می‌شود طهارتی که نمازگزاران مسجد قبا دوستدار آن بوده‌اند، هم پاکی از گناه و عصیان و هم طهارت از آلودگی‌های ظاهری بوده است.

از سوی دیگر، قرآن کریم در آیه ۳۷ سوره نور در وصف مسجدی‌ها می‌فرماید:

رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ

يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ؛ «[در مساجد] مردانی [حضور

می‌یابند] که هیچ تجارت و معامله‌ای، آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و

ادای زکات غافل نمی‌کند. آنان از روزی می‌ترسند که در آن، دل‌ها و

چشم‌ها دگرگون می‌شود.»

با توجه به این دو آیه روشن می‌شود که از دیدگاه قرآن کریم مسجدی‌ها، از ویژگی‌های زیر برخوردارند:

۱. آنان، دوستدار پاکیزگی جسم و تهذیب و تطهیر روح و باطن خویش

هستند.

۱. سوره توبه، آیه ۱۰۸.

۱. امالی، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، ص ۶۹۶.

۲. سنن ابن‌داود، سلیمان بن اشعث سجستانی، ج ۱، ص ۱۳۶؛ سنن کبری، احمد بن حسین بیهقی، ج ۳، ص ۶۹.

۳. توضیح المسائل مراجع، سید محمد حسن بنی‌هاشمی خمینی، ج ۱، ص ۷۲۲.

۴. معتمد الشیعه فی احکام الشریعه؛ محسن ابن شاه مرتضی (فیض کاشانی)، ج ۳، ص ۲۵۸.

۲. وظایف و تکالیف دینی خویش، همچون زکات و نماز را انجام می دهند.

به پا داشتن نماز و پرداخت زکات، دو مصداق و در حقیقت مظهر انجام اعمال صالح است. علامه طباطبایی رحمته الله علیه در تفسیر المیزان می فرماید:

«به پای داشتن نماز، مظهر و نشانه تمامی وظایف و عبودیت و بندگی است. پرداخت زکات نیز نشان و مظهر انجام وظایفی است که انسان در ارتباط با مردم بر عهده دارد.»^۱

۳. تجارت و فعالیت های اقتصادی و هر کار دیگر، آنان را از یاد خداوند متعال (نماز) و ذکر قلبی باز نمی دارد. به تعبیر دیگر، آنان نماز و پاداش فوق العاده آن در مسجد را با درآمد ناچیز دنیوی، هنگام اذان معاوضه نمی کنند. ۴. از روز قیامت، ترسنده و هراسان اند.

افزون بر این، این انسان های شایسته، محبوب خدایند و خداوند متعال برترین پاداش ها را به آنان عطا می فرماید و از فضل بی کران خویش، آنان را برخوردار می سازد:

«لِيَجْزِيََهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَ يَزِيدَهُم مِّنْ فَضْلِهِ»؛^۲ «[آنها به این کارها می پردازند] تا خداوند آنان را به بهتر از اعمالشان پاداش دهد و از فضل خود بر پاداششان بیفزاید.»

افرادی با این ویژگی، نه تنها خود زیننده و آراسته اند، که حضور آنان در مسجد، مایه زیور و زینت مسجد است؛ ضمن آنکه اینان با حضور در مسجد از قداست و روحانیت خانه خدا توشه بر می گیرند.^۳

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبایی، ج ۱۵، ص ۱۲۷.

۲. سوره نور، آیه ۳۸. ۳. سیماي مسجد، رحیم نوبهار، ج ۲، ص ۲۹۰ - ۲۹۱.

بعضی دیگر از ویژگی ها و امتیازهای اهل مسجد را این گونه می توان برشمرد:

۱. ایمان

مسجد، محل اجتماع و رفت و آمد انسان های برگزیده، صالح و تقوای پیشه است. رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ يَعْتَادُ الْمَسَاجِدَ فَاشْهَدُوا لَهُ بِالْإِيمَانِ؛^۱ «هنگامی که دیدید مردی [بر رفت و آمد] به مساجد عادت دارد، به ایمانش گواهی دهید؛ زیرا خداوند متعال می فرماید: تنها آنان که به خداوند ایمان دارند، مساجد خدا را آباد می کنند.»

با توجه به سخنان معصومان علیهم السلام در باب عمران و آبادی مساجد، یکی از مصادیق عمران مسجد، حضور در آن و به جا آوردن نماز و عبادت است.

۲. الگو و نمونه بودن در جامعه

چنان که گذشت، حضور در مسجد سبب آشنایی با هنجارها و ناهنجاری هایی است که در جامعه وجود دارد. این آگاهی سبب می شود اهل مسجد به هنجارها رو آورده، از ناهنجاری ها بپرهیزند. بنابراین، مسجد، انسانی تربیت می کند که ارزش و غیر ارزش را تشخیص می دهد و بین بایدها و نبایدها دچار خلط و اشتباه نمی شود. این شناخت موجب می شود حتی در جامعه ای که عمل به ناهنجاری ها رواج یافته است، مسجدی، الگو و نمونه شناخته شود. امام صادق علیه السلام مسجیدیان را از

۱. تفسیر القرآن العظیم، عبدالرحمن بن محمد ابن ابی حاتم، ج ۱۲، ص ۴۸۴؛ الکشاف عن حقائق

غوامض التنزیل، محمود زمخشری، ج ۲، ص ۲۵۵؛ مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ج ۳،

ص ۳۶۲.

برترین و برگزیدگان جامعه معرفی کرده‌اند و به فضل بن عبدالملک فرموده‌اند:

يَا فَضْلُ لَا يَأْتِي الْمَسْجِدَ مِنْ كُلِّ قَبِيلَةٍ إِلَّا وَافِدُهَا وَمِنْ كُلِّ أَهْلِ بَيْتٍ إِلَّا نَجِيهَهَا! «ای فضل! از هر جمعی تنها آنان که از همه برترند و از اهل هر خانه‌ای تنها برگزیدگان آن به مسجد می‌آیند.»

۳. اهل بهشت

یکی از ویژگی‌های انسان‌های مسجدی آن است که آنان به بهشت بشارت داده شده‌اند. رسول اکرم ﷺ کسانی را که به ندای مؤذنان پاسخ می‌گویند و به سوی مسجد می‌شتابند، از اهل بهشت دانسته، می‌فرماید:

إِجَابَةُ الْمُؤَذِّنِ رَحْمَةٌ وَ ثَوَابُهُ الْجَنَّةُ وَمَنْ لَمْ يُجِبْ خَاصَّتْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَطُوبَى لِمَنْ أَجَابَ دَاعِيَ اللَّهِ وَمَشَى إِلَى الْمَسْجِدِ وَلَا يُجِيبُهُ وَلَا يَمْشِي إِلَى الْمَسْجِدِ إِلَّا مُؤْمِنٌ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ! «دعوت مؤذن را پذیرفتن، رحمت الهی است و پاداش آن، بهشت است. کسی که این دعوت را پاسخ نگوید در روز قیامت با وی ستیز خواهیم کرد. خوشا به حال آنان که ندای دعوت‌کننده به سوی خدا را پاسخ گویند و به مسجد بروند و تنها مؤمنی که اهل بهشت است، دعوت مؤذن را اجابت می‌کند و به مسجد می‌رود.»

۴. مانع بودن در برابر نزول عذاب الهی

در روایات اسلامی، مسجدی‌ها، مانع نزول عذاب الهی معرفی شده‌اند. رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ إِذَا رَأَى أَهْلَ قَرْيَةٍ قَدْ أَسْرَفُوا فِي الْمَعَاصِي وَ فِيهَا ثَلَاثَةٌ نَفَرٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ نَادَاهُمْ جَلَّ جَلَالُهُ يَا أَهْلَ مَعْصِيَتِي لَوْ لَا مَنْ فِيكُمْ مِنْ الْمُؤْمِنِينَ الْمُتَحَابِّينَ بِجَلَالِي الْعَامِرِينَ بِصَلَاتِهِمْ أَرْضِي وَ مَسَاجِدِي وَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَشْحَارِ خَوْفًا مِنِّي لَأَنْزَلْتُ بِكُمْ عَذَابِي ثُمَّ لَا أَبَالِي! «خداوند -جل جلاله- هنگامی که ببیند اهل قریه‌ای در معاصی و گناهان، زیاده‌روی می‌کنند و حال آنکه بین ایشان سه نفر از اهل ایمان وجود دارند، به آنان ندا می‌کند که ای اهل گناه و عصیان! اگر میان شما مؤمنانی نبودند که دوستدار جلال من هستند یا نمازشان، زمین و مساجد مرا آباد و در سحرها از خوف من استغفار و طلب آمرزش می‌کنند، عذابم را بر شما فرو می‌فرستادم و باکی هم نداشتم.»

۵. مورد غبطه مردگان

چه زیباست که از میان تمام مظاهر مادی و معنوی دنیا، مردگان آرزوی بازگشت به دنیا دارند تا همانند مسجدیان در خانه خدا نماز بخوانند و مانند روزه‌داران روزه بگیرند.

رسول خدا ﷺ فرموده است:

مَا مِنْ يَوْمٍ إِلَّا وَ مَلَكَ يُنَادِي فِي الْمَقَابِرِ مَنْ تَغْبِطُونَ فَيَقُولُونَ أَهْلَ الْمَسَاجِدِ يُصَلُّونَ وَلَا تَقْدِرُ وَ يَصُومُونَ وَلَا تَقْدِرُ! «روزی نیست مگر اینکه فرشته‌ای میان قبرها ندا سر می‌دهد: [شما اهل گورستان که دستتان از دنیا کوتاه شده است] به حال چه کسانی غبطه می‌خورید؟ آنان گویند: به

۱. وسائل الشیعه، محمد بن الحسن حر عاملی، ج ۵، ص ۱۹۳.

۲. جامع الاخبار، تاج‌الدین شعیری، ص ۶۸.

۱. امالی، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، ص ۱۹۹.

۲. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ج ۳، ص ۳۶۳.

گفتار سوم: فواید دنیوی رفت و آمد به مسجد

الف - فواید اجتماعی

دین اسلام بر اجتماعی بودن بنیاد گرفته است تا انسان را از زندگی فردی و عزلت برهاند. بر همین اساس، معصومان علیهم السلام بر حضور در مساجد و در هیئت صفوف فشرده و منسجم نماز جماعت سفارش بسیار نموده‌اند.

از سوی دیگر، نمایش همبستگی و پیوستگی مسلمانان در مسجد، موجب همدلی و همراهی همه روزه آنان می‌شود. همچنین مسجد عامل مهمی برای ایجاد آشنایی میان مؤمنان و اطلاع آنان از حال یکدیگر و کمک‌رسانی در وقت نیاز و دعا در حق هم هنگام گرفتاری است. مسجد پایگاهی نیرومند برای انفاق و خیرات در راه خدا و برطرف کردن نیاز نیازمندان و مرکز مبارزه با ظلم حاکمان جور و انسجام نیروها و امکانات به منظور تداوم مبارزات و حفظ دستاوردها و پیروزی‌ها به شمار می‌رود.

افزون بر این، حضور در مساجد، برکات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی فراوانی در پی دارد. مسجد، در طول تاریخ اسلام، محلی برای رفع نیازهای فکری، مذهبی، سیاسی و اقتصادی و نیز کانونی برای گسترش فرهنگ غنی اسلام و فراگیری علوم ضروری جامعه و مکانی برای تجمع و آموزش نیروهای مبارز و رزمنده بوده است.

یکی از نویسندگان غیر مسلمان می‌نویسد:

«مسجد در سرزمین‌های اسلامی به عنوان پناهگاهی برای زندگی

پرشوب و پرتلاطم شهر به شمار می‌آید. هزاران نفر مسلمان در روزهای

جمعه در صحن مسجد و شبستان سرپوشیده آن گرد می‌آیند و به طور

حال مسجدیان غبطه می‌خوریم که نماز می‌خوانند و ما نمی‌توانیم و روزه می‌گیرند و ما نمی‌توانیم.»

۶. محبوب فرشتگان

یکی دیگر از آثار رفت و آمد به مسجد، دوستی میان انسان‌های مسجدی و فرشتگان الهی است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

إِنَّ لِلْمَسَاجِدِ أَوْلَادًا الْمَلَائِكَةُ جُلَسَاؤُهُمْ إِذَا غَابُوا افْتَقَدُوهُمْ وَإِنْ مَرَضُوا عَادُوهُمْ وَإِنْ كَانُوا فِي حَاجَةٍ أَعَانُوهُمْ^۱ «انسان‌های ثابت‌قدمی همچون میخ در مساجد وجود دارند که ملائکه الهی با آنان همنشین [و مانوس]‌اند. هنگامی که از مسجد غایب می‌شوند، ملائکه سراغشان را می‌گیرند؛ هنگام بیماری از آنان عیادت می‌کنند و چون در کارها به کمک نیاز داشته باشند، آنان را یاری می‌دهند.»

سید رضی رحمته الله علیه در شرح این حدیث شریف می‌فرماید:

«مراد از میخ در کلام آن حضرت، کنایه از انسان‌هایی است که بر اثر کثرت رفت و آمد به مسجد و ملازم بودن با خانه خدا، گویا چون میخی به مسجد کوبیده شده‌اند و این کلام از تمثیلاتی است که بسیار پسندیده است.»^۲

۱. مجازات النبویه، محمد بن حسین موسوی بغدادی (شریف رضی)، ص ۳۶۹؛ بحار الانوار، محمد باقر مجلسی (علامه مجلسی)، ج ۸۰، ص ۳۷۳.

۲. مجازات النبویه، محمد بن حسین موسوی بغدادی (شریف رضی)، ص ۳۶۹.

دسته‌جمعی در برابر دیوار قبله - که به سوی مکه قرار گرفته است - به سجده می‌پردازند. در سراسر جهان، عموم مسلمانان همچنان که ذرات آهن به سوی آهن‌ربا جذب می‌شود، به سوی این مراکز واحد مقدس روی می‌آورند. هریک از افراد این گروه در عین شرکت در آن اجتماع، با خود خلوت می‌کند و هر کدام مجذوب سعادت ابدی خود می‌شود و در آرامش و سکوتی درونی فرو می‌رود که برای غربی‌ها ناشناخته است.^۱

اگر حق پرستی به مسجد درآی که با جمع‌بینی تو دست خدای گرچه فواید اجتماعی حضور در مسجد در این مختصر نمی‌گنجد، برای نمونه به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. نمایش همبستگی مسلمانان

یکی از مهم‌ترین فواید حضور مسلمانان در مسجد و برپایی نماز جماعت، نمایش همبستگی و پیوستگی مسلمانان است. حضوری این‌چنین، از یک سو دل‌های مسلمانان سست‌ایمان را نیرو و پایداری می‌بخشد و از سوی دیگر، امید دشمنان دین را که در صدد تفرقه‌افکنی و پراکنده ساختن مسلمانان اند، ناامید می‌سازد.

گفتنی است اوج این نمایش در نماز جمعه‌ها و پس از آن در مساجد جامع هر شهر است. شاید به‌خاطر چنین نمایشی است که نماز خواندن در مساجد جامع مورد سفارش بیشتری قرار گرفته است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

صَلَاةٌ فِي بَيْتِ الْمَقْدِسِ أَلْفُ صَلَاةٍ وَ صَلَاةٌ فِي الْمَسْجِدِ الْأَعْظَمِ مِائَةٌ صَلَاةٍ وَ صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ الْقَبِيلَةِ خَمْسٌ وَ عِشْرُونَ صَلَاةً وَ صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ

۱. هنر معماری در سرزمین‌های اسلامی، هوگ، ج، ترجمه پرویز ورجاوند، ص ۱۲.

السُّوقِ اثْنَتَا عَشْرَةَ صَلَاةً وَ صَلَاةُ الرَّجُلِ فِي بَيْتِهِ وَ حُدَّةُ صَلَاةٍ وَاحِدَةٌ؛^۱
 «یک نماز در بیت‌المقدس [برابر با] یک هزار نماز است و یک نماز در مسجد جامع، [برابر با] یکصد نماز است و نماز در مسجد محله [برابر با] بیست و پنج نماز است و یک نماز در مسجد بازار، [برابر با] دوازده نماز است و نمازگزاردن به‌تنهایی و در خانه، یک نماز به‌شمار می‌آید.»

۲. احیای روح اخوت

شرکت در نماز جماعت مسجد، روح برادری را در انسان‌ها احیا می‌کند. در مسجد همه همراه و هم‌رنگ‌اند و هیچ ممنوعیتی برای حضور طبقه‌ای از طبقات اجتماعی وجود ندارد و ثروتمندترین و قدرتمندترین فرد در کنار فقیرترین و ناتوان‌ترین فرد می‌ایستد. همچنین تجمع مؤمنان در هر شبانه‌روز، در چند نوبت و در مکانی معین، سبب می‌شود تا یکدیگر را ملاقات کنند، از حال یکدیگر باخبر شوند و در مواقع بروز مشکل به دستگیری و مساعدت یکدیگر اهتمام ورزند.^۲

۳. دعوت عمومی

حضور مؤمنان در مسجد در چند نوبت، نوعی تبلیغ دین و دعوت کسان است که از احکام شرع مقدس اسلام بی‌اطلاع‌اند. با برگزاری نماز جماعت، انسان‌هایی که از پذیرش دین دوری می‌جویند یا از احکام دین آگاهی کامل ندارند، در قیامت نخواهند توانست برای ناآگاهی از دین عذر بیاورند؛ چراکه هر روز مؤمنان را در حال رفتن به سوی مسجد مشاهده می‌کرده‌اند

۱. فلاح‌السائل، سید علی بن موسی بن طاوس، ص ۹۱؛ المحجة البیضاء، محمد بن شاه مرتضی (ملا محسن فیض کاشانی)، ج ۱، ص ۳۵۶.

۲. سیری در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام، میر سید محمد یثربی، ج ۳، ص ۱۹.

و ایشان با عمل خویش آنان را به سوی دین و آشنایی با احکامش فرا می خوانده اند.^۱

۴. خنثی سازی نقشه های دشمن

با بررسی نقش مسجد در مبارزه با کفر و الحاد، روشن می شود که خاستگاه مبارزه با باطل در طول تاریخ، مسجد بوده است و این مکان الهی، به قیام مقدس مردم ایران - که به برقراری حکومت اسلامی انجامید - نیرو و توان بخشید؛ به همین دلیل، استعمارگران و دشمنان داخلی و خارجی، برای محو اسلام، در پی خاموش کردن چراغ و رونق مساجد بوده اند. این کلام امام راحل علیه السلام را تکرار می کنیم که فرمود:

«اینها از مسجد می ترسند. من تکلیفم را باید ادا کنم به شما بگویم، شما دانشگاهی ها شما دانشجوها، همه تان مساجد را بروید پر کنید. سنگر هست اینجا. سنگرها را باید پر کرد.»^۲

آن بت شکن زمان، با درک این حساسیت دشمنان، بارها خطر جدایی انقلاب از مساجد را خاطر نشان ساخت و فرمود:

«اگر این مسجد و مرکز ستاد اسلام قوی باشد، ترس از فانتومها نداشته باشید. ترس از آمریکا و شوروی و اینها نداشته باشید. آن روز باید ترس داشته باشید که شما پشت بکنید به اسلام، پشت کنید به مساجد.»^۳

ب - فواید فردی

حضور در مسجد، افزون بر فواید اجتماعی، برکات فراوانی برای فرد دارد. مسجد، آمادگی انسان را برای عبادت، بیشتر می کند و انسان های غافل را به

یاد خداوند و عبادت می اندازد. همچنین شرکت در برنامه های مسجد از سویی و حضور مستمر در جمع اهل مسجد از سوی دیگر، نگرشی مطابق با همان گروه و برنامه در فرد ایجاد می کند. نقل شده است که فردی به یکی از عرفا نامه نوشت و پرسید: «چه لزومی دارد، مردم همه در مسجد اجتماع کنند، با اینکه خداوند از رگ گردن به انسان نزدیک تر است. هر جا که باشی اگر رابطات را با خدا برقرار سازی، نتیجه خواهی گرفت». عارف در پاسخ او نوشت:

«اگر چند چراغ در یک جا روشن باشد، به فرض خاموش شدن یکی، چراغ های دیگر روشن است؛ ولی اگر یک چراغ در اتاقی در بسته باشد و آن نیز خاموش شود، آن اتاق تاریک می گردد. انسان ها نیز همین گونه هستند، بعضی گنهکار هستند که اگر تنها باشند، شاید موفق به فیوضات و برکات نور الهی نشوند؛ ولی اگر در اجتماع باشند، شاید خداوند به برکت بعضی از افراد دیگر، آنها را نیز مشمول فیوضات و برکاتش قرار دهد.»^۱

البته این مطلب یک بُعد از ابعاد فراوان جماعت است؛ اما فواید دیگر سیاسی، اجتماعی و عبادی اجتماع در مسجد بسیار است که در اینجا به چند مورد از فواید آن می پردازیم:

۱. مکانی برای برطرف شدن گرفتاری ها

برخی افراد برای برطرف کردن مشکلات و گرفتاری ها به هر مکانی مراجعه می کنند و به هر کسی روی می آورند؛ در حالی که از این مطلب غافل اند که بهترین مکان برای دعا و راز و نیاز و بهترین جایگاه برای برآورده شدن حاجات و رفع گرفتاری ها، مسجد است و همه کارها نیز به دست صاحب این

۱. همان، ص ۱۳.

۲. صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ج ۱۲، ص ۳۹۳.

۳. همان، ج ۱۳، ص ۲۱.

۱. داستانها و حکایت های مسجد، غلامرضا نیشابوری، ص ۱۳۲.

خانه است. در روایت است که امام زین العابدین علیه السلام از کنار مردی گذشت که بر در خانه شخص شخصی نشسته بود. به او فرمود: «چه چیز تو را بر در خانه این مرد نازپرورده ستمگر، نشانده است؟»

گفت: گرفتاری!

امام فرمود:

قُمْ فَأَرْشِدْكَ إِلَى بَابٍ خَيْرٍ مِنْ بَابِهِ وَإِلَى رَبِّ خَيْرٍ لَكَ مِنْهُ؛^۱ «برخیز که اکنون تو را به دری راهنمایی کنم که از در خانه او بهتر است و به پروردگاری که برای تو از او نیکوتر است.»

آن‌گاه، دستش را گرفت تا به مسجد [پیامبر صلی الله علیه و آله] رسید و فرمود:

«روسوی قبله کن و دو رکعت نماز بگذار. سپس دستانت را به درگاه خدای عزوجل بالا ببر و او را ثنا بگو و بر فرستاده‌اش درود بفرست و با آیات پایانی سوره حشر و شش آیه آغازین سوره حدید و دو آیه سوره آل عمران،^۲ خدا را بخوان و از خدای سبحان، حاجت بخواه که تو چیزی درخواست نمی‌کنی، جز آن که بی‌تردید، به تو عطا خواهد کرد».^۳

۲. سالم ماندن اهل مسجد از بلاهای آسمانی

دین مبین اسلام مقام فوق‌العاده‌ای برای مسجدیان قائل شده است. اهمیت این افراد تا آنجاست که مانع نزول بسیاری از بلاها از اهل زمین می‌شوند؛^۴ ولی در برخی مواقع، چنان عصیان و سرکشی زیاد می‌شود که عذاب و خشم

خداوند فرود می‌آید. در این حال، رحمت الهی فقط شامل اهل مسجد می‌شود و آنان از خشم الهی در امان می‌مانند. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

إِذَا نَزَلَتِ الْعَاهَاتُ وَالْآفَاتُ عُوفِيَ أَهْلُ الْمَسَاجِدِ؛^۱ «زمانی که امراض

مسری و آفات نازل شود، اهل مسجد از آن در امان‌اند».

۳. پناهگاهی در برابر حوادث و گرفتاری‌ها

بنابر دستورهای معصومان علیهم السلام پناه بردن به مسجد یکی از راه‌های التیام بخشیدن به فشارها و ناراحتی‌های انسان است. در تفسیر مجمع‌البیان، ذیل آیه **﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ﴾**^۲ روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که آن حضرت می‌فرماید:

مَا يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ إِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ غَمٌّ مِنْ غُمُومِ الدُّنْيَا أَنْ يَتَوَضَّأَ ثُمَّ يَدْخُلَ مَسْجِدَهُ فَيَرْكَعَ رَكْعَتَيْنِ فَيَدْعُو اللَّهَ فِيهِمَا أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ يَقُولُ وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ؛^۳ «آن‌گاه که یکی از شما را اندوه‌های دنیوی فراگیرد، چه چیز مانع از آن است که وضو بگیرد و داخل مسجد شود و دو رکعت نماز به جای آورد و در آن نماز خداوند را بخواند؟ آیا نشنیده‌ای که خدای متعال می‌فرماید: [در سختی‌ها و گرفتاری‌ها] از صبر و نماز یاری جویید؟»

۴. مرکز یافتن دوستان خوب

مسجد، محل دوست‌یابی است؛ آن هم دوستانی خوب و خدایی؛ دوستانی که با پروردگار مأنوس‌اند و او نیز با آنان انس دارد.^۴ امام

۱. الجعفریات، محمد بن محمد بن اشعث کوفی، ص ۳۹؛ مستدرک‌الوسائل، میرزا حسین نوری، ج ۳، ص ۳۵۶.

۲. سوره بقره، آیه ۴۵.

۳. مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طوسی، ج ۱، ص ۲۱۷.

۴. همان، ج ۳، ص ۳۲.

۱. الدعوات، سعید بن هبة الله (قطب‌الدین راوندی)، ص ۵۵.

۲. علامه مجلسی، در ذیل این حدیث می‌فرماید: «شاید مقصود از دو آیه یاد شده آیه ۱۸ و آیه ۲۶ از سوره آل عمران باشد. (بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطهار علیهم السلام)، محمد باقر مجلسی (علامه مجلسی)، ج ۸۸، ص ۳۷۵»

۳. الدعوات، سعید بن هبة الله (قطب‌الدین راوندی)، ص ۵۵.

۴. امالی، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، ص ۱۹۹.

علی علیه السلام در بیان برخی آثار ارزشمند و سازنده رفت و آمد به مساجد می فرماید:

مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسَاجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ أَخَا مُسْتَفَادًا فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَوْ عِلْمًا مُسْتَطَرَفًا أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً أَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنْ رَدَى أَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَى هُدَى أَوْ يَتْرُكُ ذَنْبًا خَشِيئَةً أَوْ حَيَاءً؛^۱

«کسی که به مسجد رفت و آمد می کند [دست کم] یکی از این امور هشت گانه نصیبش می شود: ۱. یافتن برادر ایمانی که در راه خداوند از او استفاده کند؛ ۲. دانشی تازه؛ ۳. فهم و درک آیه ای از آیات قرآن؛ ۴. شنیدن سخن کسی که او را به هدایت رهنمون باشد؛ ۵. رحمتی که انتظار آن را از جانب خداوند می کشد؛ ۶. سخنی که او را از گمراهی و هلاکت باز دارد؛ ۷. ترک گناه به سبب خداترسی ای که در آمد و شد به مسجد به قلب او وارد شده است؛ ۸. ترک گناه به سبب حیا از برادران ایمانی خود که در مسجد با آنان آشنا شده است.»

گفتار چهارم: پاداش اخروی رفتن به مسجد

۱. دیدار فرشتگان و آمرزش گناهان

حضرت صادق علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

أَلَا وَمَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ يَطْلُبُ فِيهِ الْجَمَاعَةَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَيُرْفَعُ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ مَاتَ وَهُوَ عَلَى ذَلِكَ وَكَلَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يَعُودُونَ فِي قَبْرِهِ وَيُبَشِّرُونَهُ وَيُؤْنِسُونَهُ فِي وَحْدَتِهِ وَيَسْتَعْفِرُونَ لَهُ حَتَّى يُبْعَثَ؛^۱ «هرکس به قصد شرکت در نماز جماعت به سوی مسجدی گام بردارد، خداوند متعال در مقابل هر گام، هفتاد هزار حسنه به او پاداش می دهد و به همین میزان، درجات او را بالا خواهد برد و چنانچه در این حال از دنیا برود، خداوند بزرگ، هفتاد هزار فرشته را مأمور می کند تا در قبر به دیدار او بروند و وی را بشارت دهند و در تنهایی قبر، انیس او باشند و تا روز قیامت برایش طلب آمرزش کنند.»

عبارت **فَإِنْ مَاتَ وَهُوَ عَلَى ذَلِكَ** (اگر در چنین حالی بمیرد)، ممکن است اشاره به مرگ در مسیر مسجد باشد. همچنین ممکن است عبارت مزبور اشاره به این مطلب باشد که فضائل و آثار ذکر شده نصیب کسی خواهد شد که روحیه انس با مسجد و نماز جماعت را داشته باشد و تا پایان مرگ نیز بر این خصلت باقی بماند و با همین روحیه از دنیا برود.^۲

۱. همان، ج ۴، ص ۱۷.

۲. **سیمای مسجد**، رحیم نوبهار، ج ۱، ص ۲۴.

۱. **من لا يحضره الفقيه**، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، ج ۱، ص ۲۳۷.

۲. شهادت زمین مسجد

یکی از آثار نماز خواندن در مسجد این است که زمین آن، در روز قیامت شهادت می‌دهد که او در آنجا نماز خوانده است؛ به همین علت است که امامان بزرگوار دین علیهم‌السلام بر خواندن نماز در مساجد مختلف سفارش کرده‌اند. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

يَا أَبَا ذَرٍّ، مَا مِنْ رَجُلٍ يَجْعَلُ جَبْهَتَهُ فِي بُقْعَةٍ مِنْ بَقَاعِ الْأَرْضِ إِلَّا شَهِدَتْ لَهُ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛^۱ «ای ابوذر! هر انسانی که پیشانی خود را برای سجده بر قطعه‌ای از زمین بگذارد، آن زمین در روز قیامت به نفع وی شهادت خواهد داد.»

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمود:

صَلُّوا مِنَ الْمَسَاجِدِ فِي بَقَاعٍ مُخْتَلِفَةٍ فَإِنَّ كُلَّ بُقْعَةٍ تَشْهَدُ لِمُصَلِّيِّ عَلَيْهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛^۲ «در قسمت‌های مختلف مساجد نماز بخوانید؛ زیرا هر قطعه زمینی در قیامت برای کسی که روی آن نماز خوانده باشد گواهی می‌دهد.»

۳. شفاعت در محشر

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در بیان شأن و مقام مداومت‌کنندگان بر حضور در مسجد می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ وَعَدَّ أَنْ يُدْخَلَ الْجَنَّةَ ثَلَاثَةَ نَفَرٍ بَعِيْرٍ حِسَابٍ وَ يُشْفَعُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ فِي تَمَانِينَ أَلْفًا الْمُوَدَّنُ وَالْإِمَامُ وَ رَجُلٌ يَتَوَضَّأُ ثُمَّ يَدْخُلُ الْمَسْجِدَ فَيُصَلِّي

فِي الْجَمَاعَةِ؛^۱ «همانا خداوند به سه گروه وعده داده است که بدون حساب آنها را وارد بهشت کند و هریک از این سه گروه [در روز قیامت] می‌توانند هشتاد هزار نفر را شفاعت کنند. [آنها عبارت‌اند از: ۱. مؤذن، ۲. امامت جماعت، ۳. کسی که وضو بگیرد، پس داخل مسجد شود و نماز را به جماعت به‌جا آورد.»

۴. ثواب شب‌زنده‌داری

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمود:

مَنْ صَلَّى الْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ الْآخِرَةَ وَصَلَاةَ الْعِدَاةِ فِي الْمَسْجِدِ فِي جَمَاعَةٍ فَكَأَنَّمَا أَحْيَا اللَّيْلَ كُلَّهُ؛^۲ «کسی که نماز مغرب و عشا و نماز صبح را در مسجد و به جماعت بخواند، مثل این است که تمام شب بیدار [و به عبادت مشغول] بوده است.»

۵. پرچم‌داری روز قیامت

خاتم انبیا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

يَا أَبَا ذَرٍّ طُوبَى لِأَصْحَابِ الْأَلْوِيَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَحْمِلُونَهَا فَيَسْبِقُونَ النَّاسَ إِلَى الْجَنَّةِ أَلَا وَهُمْ السَّابِقُونَ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالشَّحَارِ وَ غَيْرِهَا؛^۳ «ای ابوذر! خوشا به حال پرچمداران روز قیامت که پرچم‌ها را به دوش می‌گیرند و پیش از دیگران وارد بهشت می‌شوند. آنان، همان کسانی هستند که در سحرگاهان و دیگر اوقات در رفتن به مساجد بر دیگران پیشی می‌گیرند.»

۱. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ج ۶، ص ۴۴۹.

۲. وسائل الشیعه، محمد بن الحسن حر عاملی، ج ۸، ص ۲۹۵.

۳. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ج ۳، ص ۴۳۳؛ دلائل الخیرات فی کلام سید السادات، فاتن محمد خلیل لیون، ص ۱۱۴.

۱. مکارم الأخلاق، حسن بن فضل طبرسی، ص ۴۶۶.

۲. امالی، محمد بن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، ص ۳۵۹؛ وسائل الشیعه، محمد بن الحسن حر عاملی، ج ۵، ص ۱۸۸؛ روضة الواعظین، محمد بن حسن فتال نیشابوری، ج ۲، ص ۳۳۷.

۶. براءت از آتش

رسول خدا ﷺ فرمود:

مَنْ صَلَّى أَرْبَعِينَ يَوْمًا فِي الْجَمَاعَةِ يُدْرِكُ التَّكْبِيرَةَ الْأُولَى كُتِبَ لَهُ بِرَاءَةٌ تَنْبَرُّ مِنَ النَّارِ وَ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّفَاقِ؛^۱ «کسی که چهل روز در جماعت شرکت و تکبیره الاحرام اول را درک کند، دو براءت برای او نوشته می‌شود: براءت از آتش و براءت از نفاق.»

فرموده‌های بسیاری از امامان معصوم علیهم‌السلام درباره درک اولین تکبیره الاحرام نماز جماعت، که در این روایت نیز مورد تأکید قرار گرفته است، به ما رسیده است که نشان‌گر اهمیت حضور به موقع در نماز جماعت مسجد است. چنانکه در روایت است که ابن مسعود -یکی از اصحاب رسول خدا ﷺ- زمانی به مسجد رسید که حضرت، تکبیره الاحرام گفته بود و او از فضیلت ابتدای نماز جماعت جا مانده بود. به همین دلیل بنده‌ای آزاد نمود و بعد خدمت حضرت رسید و عرض کرد: من تکبیره الاحرام را درک نکردم و به همین دلیل یک برده آزاد کردم. آیا با این کار ثواب تکبیره الاحرام [جماعت] را درک کرده‌ام؟ حضرت فرمودند: نه!

ابن مسعود می‌گوید: برده دیگری آزاد کردم و سپس خدمت حضرت رسیدم و گفتم: آیا با این کار اجر تکبیره الاحرام را دارم؟ حضرت فرمود: لا یا ابن مسعود و لو أنفقَتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا لَمْ تَكُنْ مُدْرِكًا فَضْلَهَا؛^۲ «نه

ای ابن مسعود! اگر هرچه روی زمین هست متعلق به تو باشد و همه را در راه خدا انفاق کنی، [باز هم] فضیلت یک تکبیره الاحرام را به دست نخواهی آورد.»

۷. غوطه‌ور شدن در رحمت الهی

پیامبر اکرم ﷺ درباره حرکت کنندگان به سوی مساجد می‌فرماید:

الْمَشَاؤُونَ إِلَى الْمَسَاجِدِ فِي الظُّلْمِ أَوْلَيْكَ الْخَوَاضُونَ فِي رَحْمَةِ اللَّهِ؛^۱ «حرکت کنندگان به سوی مساجد در تاریکی، کسانی هستند که در رحمت الهی غوطه‌ورند.»

۸. نورانیت فوق العاده در قیامت

پیامبر خدا ﷺ فرموده است:

إِنَّ اللَّهَ لِيُضِيءَ لِلَّذِينَ يَتَخَلَّلُونَ إِلَى الْمَسَاجِدِ فِي الظُّلْمِ بِنُورٍ سَاطِعٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛^۲ «به درستی که خداوند، کسانی را که در تاریکی شب به سوی مساجد گام برمی‌دارند، در روز قیامت با نوری درخشان نورانی می‌کند.»

۹. بهره‌مندی از سایه عرش خدا

امام سجاد علیه‌السلام می‌فرماید که حضرت موسی علیه‌السلام از خداوند پرسید: «بار خدایا! چه کسانی اهل تو هستند که در روز قیامت -که سایبانی جز سایبان تو نیست- در سایه عرش تو قرار می‌گیرند؟» خداوند متعال فرمود:

۱. سنن، محمد بن یزید قزوینی (ابن ماجه)، ص ۲۵۶؛ کنز العمال، حسام‌الدین هندی، تحقیق صفوه السقا، ج ۷، ص ۵۵۷، ح ۲۰۲۳۶.

۲. کنز العمال، حسام‌الدین هندی، ج ۷، ص ۵۵۷، ح ۲۰۲۳۷.

۱. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ج ۶، ص ۴۴۷.

۲. جامع الأخبار، تاج‌الدین شعیری، ص ۷۷؛ مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ج ۶، ص ۴۴۵.

«کسانی که دلشان پاک باشد؛ آنها که فقیر و ضعیف هستند [و به آنها توجه نمی‌شود]؛ کسانی که هنگام یاد پروردگارشان، من را به عظمت ذکر می‌کنند؛ آنان که به طاعت من بسنده می‌کنند، همان‌گونه که کودک به شیر مادر بسنده می‌کند؛ کسانی که به مسجدها می‌روند و در آنجا پناه می‌گیرند، همان‌گونه که عقاب‌ها به آشیانه‌های خود پناه می‌برند؛ به هنگام حلال شمرده شدنِ مُحَرَّمات من، همانند پلنگ خشمگین، به خشم می‌آیند.»^۱

گفتار پنجم: عاقبت عدم حضور در مسجد

گرچه در آسیب‌شناسی مسجد به عواملی برمی‌خوریم که نقش مؤثری در شرکت نکردن برخی افراد در مسجد دارد و لازم است امام جماعت در مقام مدیر مسجد در پی رفع آن برآید، اما هیچ‌یک از این عوامل نمی‌تواند دلیلی بر حضور نیافتن در مسجد باشد. گذری بر تاریخ اسلام نشان می‌دهد که امامان معصوم علیهم‌السلام با افراد گریزان از مسجد به شدت برخورد و آنان را طرد می‌کرده‌اند و دیگران را نیز از معاشرت با آنان نهی می‌فرموده‌اند. در این مقام، به چند نمونه از آن اشاره می‌شود:

۱. تحریم اجتماعی

در تاریخ اسلام آمده است که امیر مؤمنان علیه‌السلام افراد گریزان از مسجد را تحریم اجتماعی کرد و مردم را از معاشرت با آنان نهی فرمود. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه‌السلام بَلَغَهُ أَنَّ قَوْمًا لَا يَحْضُرُونَ الصَّلَاةَ فِي الْمَسْجِدِ فَخَطَبَ فَقَالَ إِنَّ قَوْمًا لَا يَحْضُرُونَ الصَّلَاةَ مَعَنَا فِي مَسَاجِدِنَا فَلَا يُؤَاكِلُونَا وَلَا يُشَارِبُونَا وَلَا يُسَاوِرُونَا وَلَا يُنَاكِحُونَا وَلَا يَأْخُذُوا مِنَّا مِنْ شَيْئٍ أَوْ يَحْضُرُوا مَعَنَا صَلَاتَنَا جَمَاعَةً وَإِنِّي لَأَوْشِكُ أَنْ أَمُرَ لَهُمْ بِنَارٍ تُشْعَلُ فِي دُورِهِمْ فَأُحْرِقَهَا عَلَيْهِمْ أَوْ يَنْتَهُونَ قَالَ فَاِمْتَنَعَ الْمُسْلِمُونَ عَنْ مُؤَاكَلَتِهِمْ وَ مُشَارَبَتِهِمْ وَ مُنَاكِحَتِهِمْ حَتَّى حَضَرُوا الْجَمَاعَةَ مَعَ الْمُسْلِمِينَ؛^۱ «به امیر مؤمنان علیه‌السلام خبر رسید که گروهی برای نماز در مسجد حاضر نمی‌شوند. آن حضرت برای مردم سخنرانی کرد و در ضمن آن فرمود: گروهی برای

۱. قال موسى بن عمران عليه السلام يا رب من أهلك الذين تظلمهم في ظل عرشك يوم لا ظل إلا ظلك قال فأوحى الله إليه الطاهرة فلوهم و التربة أيدهم الذين يدكرون جلالى إذا ذكروا ربهم الذين يكتفون بطاعتي كما يكتفي الصبي الصغير بالبن الذين يأوون إلي مساجدي كما تأوي النور إلي أوكارها و الذين يغضبون لمخارمي إذا استجلت مثل النور إذا خرد. (المحاسن، احمد بن خالد برقي، ج ۱، ص ۱۶؛ مشکاة الانوار في غرر الاخبار، على بن حسن طبرسي، ص ۱۴۵؛ مستدرک الوسائل، ميرزا حسين نوري، ج ۳، ص ۳۶۱)

۱. وسائل الشيعه، محمد بن الحسن حر عاملي، ج ۵، ص ۱۹۶.

نماز خواندن با ما در مساجد حاضر نمی‌شوند. اینان حق ندارند با ما بخورند و بیاشامند و مشورت کنند و با ما ازدواج نمایند. همچنین حق ندارند از بیت‌المال مسلمانان چیزی بگیرند؛ مگر اینکه با ما در نماز جماعت حاضر شوند. نزدیک است [اگر آنها از کار خود دست بردارند] فرمان دهم خانه‌های آنان را با آتش بسوزانم یا اینکه دست بردارند.»

آن‌گاه امام صادق علیه السلام فرمود:

«مسلمانان از خوردن و آشامیدن و ازدواج با آنان خودداری کردند تا اینکه آنان در نماز جماعت حاضر شدند.»

مشابه چنین خطاری (آتش زدن خانه کسانی که به مسجد نمی‌آیند) در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله رخ داد.^۱ در تاریخ آمده است که پس از این فرمان، یک نفر نابینا خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: «من نابینا هستم. صدای اذان را می‌شنوم؛ ولی کسی نیست دستم را بگیرد و مرا به جماعت برساند». پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«از منزل خود تا مسجد، طنابی ببند و هنگام نماز جماعت آن طناب را بگیر و با راهنمایی آن، خود را به مسجد برسان و در نماز جماعت شرکت کن.»^۲ فقها نیز بر این مسئله تأکید کرده‌اند که مستحب است انسان با فردی که در مسجد حاضر نمی‌شود غذا نخورد؛ در کارها با او مشورت نکند؛ همسایه او نشود؛ از او زن نگیرد و به او زن ندهد.^۳

۱. البته هیچ‌گاه پیامبر صلی الله علیه و آله یا امیرالمؤمنین علیه السلام خانه هیچ مسلمانی را به سبب شرکت نکردن در نماز جماعت و مسجد آتش نزده‌اند؛ این بیانات اولاً نشانگر اهمیت نماز جماعت و حضور در مسجد است و ثانیاً تهدید برای هدایت مسلمانان و جلب آنان به مسجد بوده است. دلیل بر آتش نزدن، ضمن نبودن شاهد تاریخی بر وقوع چنین مسئله‌ای، وجود کلمه لا و شك [نزدیک است] در روایت است.

۲. داستان‌ها و حکایت‌های مسجد، غلامرضا نیشابوری، ص ۳۴.

۳. توضیح المسائل مراجع، سید محمد حسن بنی‌هاشمی خمینی، ج ۱، ص ۴۷۲، مسئله ۸۹۷.

۲. خدشه‌دار شدن ایمان

طبیعی است که مسلمانان در جامعه اسلامی، کسانی را که در مساجد و صفوف نماز جماعت حاضر می‌شوند، افرادی دین‌باور و مسلمان تلقی کنند و به ایمان و اسلام آنان گواهی دهند. همچنین درباره آنان که از مساجد روی‌گردان و گریزان هستند، نیکی‌هایشان را انکار کنند و بلکه در مواردی، ممکن است در مسلمانی آنان نیز تردید روا دارند؛ زیرا این افراد، به مظهر و تبلور اسلام و مسلمانی اهمیت نداده‌اند. امام صادق علیه السلام در بیان تشریح نماز جماعت می‌فرماید:

... وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَمْ يُمَكِّنْ أَحَدًا أَنْ يَشْهَدَ عَلَيَّ أَحَدٍ بِالصَّلَاةِ لِأَنَّ مَنْ لَمْ يُصَلِّ فِي جَمَاعَةٍ فَلَا صَلَاةَ لَهُ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ فَلَا صَلَاةَ لِمَنْ لَمْ يُصَلِّ فِي الْمَسْجِدِ مَعَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ^۱ «اگر جماعت و اجتماع در نماز نبود، کسی نمی‌توانست به صلاح [و خوبی] دیگری شهادت دهد؛ چون هرکس نماز را با جماعت به جای نمی‌آورد، مسلمانان، او را بی‌نماز به شمار می‌آورند؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: کسی که بدون عذر و علت با مسلمانان در مسجد نماز نمی‌گذارد، نماز او نماز نیست.»

جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

در روز قیامت، سه چیز به خداوند شکایت می‌کند: یکی از آنها مسجد است که عرض می‌کند: يَا رَبِّ عَطَّوْنِي وَ ضَيَّعُونِي؛^۲ «پروردگارا! مرا تعطیل و ضایع کردند.»

۱. علل الشرائع، محمد بن بابویه (شیخ صدوق)، ج ۲، ص ۳۲۵.

۲. وسائل الشیعه، محمد بن الحسن حر عاملی، ج ۵، ص ۲۰۲؛ فضائل الخمسة من الصحاح الستة، سید مرتضی فیروزآبادی، ج ۳، ص ۲۸۵.

۳. نشانه غفلت

یکی از مصادیق غفلت، ترک بدون عذر مسجد است. تفسیر المعین للواعظین و المتعظین ذیل آیه «وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ»^۱ «و از غافلان مباش» یکی از موارد غفلت را ترک حضور در این مکان الهی بر شمرده و به سخنی شریف استدلال کرده است که حضرت امام حسن علیه السلام فرمود: **الْغَفْلَةُ تَزُكُّكَ الْمَسْجِدَ**^۲ «غفلت این است که [حضور در] مسجد را ترک کنی.»

خلاصه آنکه اولاً اگر مسجدی هستیم، بر حضورمان بیافزاییم؛ و اگر مسجدی نیستیم، اهل مسجد شویم تا از برکات دنیوی و اخروی آن بهره مند شده و از عواقب عدم حضور جلوگیری نماییم. افزون بر این، با بیان آثار حضور و عواقب عدم حضور در مسجد، دیگران را نیز به جمع خوبان مسجدی دعوت نماییم تا در پاداش حضور آنان نیز شریک شویم.

ثانیاً همیشه به خاطر داشته باشیم «مسجد» دارای درک و شعور است؛ به طوری که در قیامت، اهل خود را شفاعت می‌کند و آنان را به بهشت می‌رساند و از ضایع کنندگان خود، یعنی از کسانی که با عدم حضورشان در مسجد، آن را غریب و تنها رها کرده‌اند و موجب تعطیلی آن شده‌اند، شکایت می‌کند.

و کلام آخر عدم حضور مستمر با مسجد، بی توجهی به مسجد مثل عدم نظافت مستمر یا انبار نمودن وسایل مسجد، هیئات مذهبی و اشیاء کهنه و فرسوده درون مسجد، و نیز رفتارهایی همچون بلند نمودن صدا در مسجد و تعطیل کردن مسجد پس از نماز جماعت، نه تنها شایسته این مکان مقدس

۱. سورة اعراف، آیه ۲۰۵.

۲. التفسیر المعین للواعظین و المتعظین، محمد هویدی بغدادی، ص ۳۳۰؛ العدد القویه، رضی الدین علی

بن یوسف حلّی، ص ۵۳.

نیست، بلکه در برخی موارد، ضایع نمودن عظمت و جایگاه چنین مکان مقدسی است و لازم است مورد توجه نمازگزاران و دست‌اندرکاران مسجد قرار گیرد.

منابع

- * قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، انتشارات مدرسه امیرالمؤمنین علیه السلام، قم.
۱. آیات الأحكام، سید امیر ابوالفتوح حسینی جرجانی، تحقیق: میرزا ولی الله اشراقی سرابی، اول، انتشارات نوید، تهران، ۱۴۰۴ ق.
 ۲. آیین مسجد، محمد علی موظف رستمی، اول، گوینه، ۱۳۸۲ ش.
 ۳. احکام القرآن، احمد بن علی جصاص، تحقیق: محمد صادق قمحاوی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ق.
 ۴. إحياء العلوم، محمد بن محمد غزالی، تصحیح: عبدالرحیم بن حسین حافظ عراقی، اول، دارالکتب العربی، بیروت، بی تا.
 ۵. الاختصاص، محمد بن نعمان بغدادی (شیخ مفید)، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
 ۶. إرشاد القلوب إلى الصواب، حسن بن ابی الحسن دیلمی، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.
 ۷. الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، أبو عمر یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالبر (م ۴۶۳)، تحقیق علی محمد البحاوی، اول، دارالجلیل، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
 ۸. أسد الغابة فی معرفة الصحابة، عزالدین بن الأثیر أبو الحسن علی بن محمد الجزری (ابن اثیر)، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.
 ۹. أسرار الصلاة، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی (ملکی تبریزی)، ترجمه: رضا رجب زاده، چهارم، انتشارات پیام آزادی، تهران، ۱۴۲۰ ق.
 ۱۰. الإصابة فی تمییز الصحابة، احمد بن علی بن حجر العسقلانی، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، اول، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ ق.
 ۱۱. أعلام الدین فی صفات المؤمنین، حسن بن أبی الحسن دیلمی، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۸ ق.
 ۱۲. الامالی، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، انتشارات دارالتقافه، قم، ۱۴۱۴ ق.
 ۱۳. الامالی، محمد بن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، چهارم، انتشارات کتابخانه اسلامیه، ۱۳۶۲ ش.
 ۱۴. إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال والأموال والحفدة والمتاع، تقی الدین أحمد بن علی المقریزی، تحقیق محمد عبدالحمیدی النمیسسی، اول، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۰ ق.

۱۵. بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطهار عليهم السلام، محمد باقر مجلسی (علامه مجلسی)، مؤسسة الوفاء، بيروت، ۱۴۰۴ ق.
۱۶. بر سنیغ نور، علی رفیعی علامرودشتی، اول، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۳۷۳ ش.
۱۷. البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، اول، بنیاد بعثت، تهران، ۱۴۱۶ ق.
۱۸. تاریخ الأمم والملوک، أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم، دوم، بیروت، دار التراث، ۱۹۶۷ م.
۱۹. تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، حسن بن علی حرانی (ابن شعبه)، دوم، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ ق.
۲۰. تفسیر روح البیان، اسماعیل حقی بروسوی، دارالفکر، بیروت، بی تا.
۲۱. تفسیر الصافی، محمد بن شاه مرتضی (ملا محسن فیض کاشانی)، تحقیق: حسین اعلمی، دوم، انتشارات صدر، تهران، ۱۴۱۵ ق.
۲۲. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، چاپخانه علمیه، تهران، ۱۳۸۰ ق.
۲۳. تفسیر القرآن العظیم، اسماعیل بن عمرو ابن کثیر دمشقی، تحقیق: محمد حسین شمس الدین، اول، دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، بیروت، ۱۴۱۹ ق.
۲۴. تفسیر القرآن العظیم، عبدالرحمن بن محمد ابن ابی حاتم، تحقیق: اسعد محمد الطیب، مکتبه نزار مصطفی الباز، سوم، عربستان سعودی، ۱۴۱۹ ق.
۲۵. التفسیر المعین للواعظین و المتعظین، محمد هویدی بغدادی، ذوی القربی، قم، بی تا.
۲۶. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، اول، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۲۷. توضیح المسائل مراجع، سید محمد حسن بنی هاشمی خمینی، اول، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۶ ش.
۲۸. التهذیب الاحکام، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، چهارم، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ق.
۲۹. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، محمد بن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، دوم، انتشارات شریف رضی، قم، ۱۳۶۴ ش.
۳۰. الجامع لأحكام القرآن، محمد بن احمد قرطبی، اول، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۶۴ ش.
۳۱. جامع الأخبار، تاج الدین شعیری، دوم، انتشارات رضی، قم، ۱۳۶۳ ق.

۳۲. الجعفریات (الأشعثیات)، محمد بن محمد بن اشعث کوفی، مکتبه نینوی الحدیثه، تهران، بی تا.
۳۳. الجمل و العقود فی العبادات، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، ترجمه: محمد واعظ زاده خراسانی، اول، مؤسسه نشر دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ۱۳۸۷ ق.
۳۴. الخصال، محمد بن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، انتشارات جامعه مدرسین، قم، دوم، ۱۴۰۳ ق.
۳۵. چهارصد و بیست داستان از نماز و عبادات امام خمینی، عباس عزیزی، اول، ۱۳۷۹ ش.
۳۶. داستانها و حکایت های مسجد، غلامرضا نیشابوری، دوم، انتشارات سید جمال الدین اسدآبادی، ۱۳۷۷ ش.
۳۷. الدر المنثور فی تفسیر المأثور، جلال الدین سیوطی، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۳۸. دعائم الإسلام، نعمان بن محمد تمیمی مغربی، دوم، دارالمعارف، مصر، ۱۳۸۵ ق.
۳۹. الدعوات، سعید بن هبة الله (قطب الدین راوندی)، اول، انتشارات مدرسه امام مهدی عليه السلام، قم، ۱۴۰۷ ق.
۴۰. دلائل الخیرات فی کلام سید السادات، فتن محمد خلیل لبون، اول، موسسه تاریخ العربی، بیروت، ۱۴۲۵ ق.
۴۱. الرسائل التسع، نجم الدین جعفر بن حسن حلّی (محقق حلّی)، اول، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۱۳ ق.
۴۲. رواق پرواز، محمد مهدی فجرى، اول، انتشارات مهر امیرالمؤمنین عليه السلام، قم، ۱۳۸۹ ش.
۴۳. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، سید محمود آلوسی، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، اول، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ ق.
۴۴. روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، محمد تقی مجلسی، تعلیق: سید حسین موسوی کرمانی و شیخ علی پناه اشتهااردی، بنیاد فرهنگ اسلامی، قم، بی تا.
۴۵. روضة الواعظین، محمد بن حسن فتال نیشابوری، انتشارات رضی، قم، بی تا.
۴۶. ریاض الصالحین من کلام سید المرسلین، یحیی بن شرف نووی دمشقی، هفتم، دارالوفاء، ۱۴۲۸ ق.
۴۷. سبل الهدی و الرشاد فی سیرة خیر العباد، شمس الدین ابو عبدالله محمد بن یوسف بن علی صالحی شامی، تحقیق: عادل احمد عبدالوجود و علی محمد معوض، اول، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۴ ق.

۴۸. سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی علیه السلام، مصطفی وجدانی، اول، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۶۷ ش.
۴۹. سنن، ابی عبدالله محمد بن یزید قزوینی (ابن ماجه)، تعلیق: محمد فؤاد عبدالباقی، دارالفکر، بی تا.
۵۰. سنن الکبری، احمد بن الحسین بیهقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.
۵۱. سنن ابی داود، سلیمان بن اشعث سجستانی، تحقیق: سعید محمد اللحام، اول، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۰ ق.
۵۲. السیرة النبویة، سید علی حسنی ندوی، دوازدهم، دار ابن کثیر دمشق، ۱۴۲۵ ق.
۵۳. سیری در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام، میر سید محمد یثربی، دوم، فرهنگ آفتاب، قم، ۱۳۸۳ ش.
۵۴. سیمای فرزاتگان، رضا مختاری، دوم، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۷ ش.
۵۵. سیمای مسجد، رحیم نوبهار، اول، قم، ۱۳۷۳ ش.
۵۶. شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ابن العماد شهاب‌الدین ابوالفلاح عبدالحی بن احمد العکری الحنبلی دمشقی، تحقیق: الأرنؤوط، اول، دار ابن کثیر، دمشق - بیروت، ۱۴۰۶ ق.
۵۷. صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چهارم، تهران، ۱۳۸۶ ش.
۵۸. الطبقات الکبری، محمد بن سعد بن منیع الهاشمی البصری (ابن سعد) (م ۲۳۰)، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، اول، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۰ ق.
۵۹. الطرائف، سید علی بن موسی بن طاوس (سید بن طاوس)، چاپخانه خیام، قم، ۱۴۰۰ ق.
۶۰. عدة الداعی و نجاح الساعی، ابن فهد حلی، اول، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۶۱. العدد القویة، رضی‌الدین علی بن یوسف حلی، اول، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی، قم، ۱۴۰۸ ق.
۶۲. علل الشرائع، محمد بن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، انتشارات مکتبه الداوری، قم، بی تا.
۶۳. عوالی اللآلی، ابن ابی جمهور احسائی، انتشارات سیدالشهداء علیه السلام، قم، ۱۴۰۵ ق.
۶۴. الفردوس بمأثور الخطاب، شیرویه بن شهردار الدیلمی الهمدانی، تحقیق: محمد سعید بسیونی زغلول، اول، دارالکتب الاسلامیة، بیروت، ۱۴۰۶ ق.
۶۵. فرهنگ‌نامه مسجد، محمد محمدی ری شهری، ترجمه: مرتضی خوش نصیب، اول، سازمان چاپ و نشر دارالحديث، ۱۳۸۷ ش.

۶۶. الفضائل، شاذان بن جبرئیل قمی، دوم، انتشارات رضی، قم، ۱۳۶۳ ش.
۶۷. فضائل الخمسة من الصحاح الستة، سید مرتضی فیروزآبادی، دوم، اسلامیة، تهران، ۱۳۹۲ ق.
۶۸. فلاح السائل، سید علی بن موسی بن طاوس، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، بی تا.
۶۹. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۶۵ ش.
۷۰. الکامل فی التاریخ، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم (ابن الأثیر) (م ۶۳۰)، دار صادر - دار بیروت، بیروت، ۱۳۸۵ ق.
۷۱. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود زمخشری، سوم، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ ق.
۷۲. کشف الأسرار و عدة الأبرار، احمد بن أبی سعد رشیدالدین میبدی، تحقیق: علی اصغر حکمت، پنجم، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۷۳. کنز العمال، حسام‌الدین هندی، تحقیق صفوة السقا، الرساله، بیروت، ۱۴۰۵ ق.
۷۴. المحجة البیضاء، محمد بن شاه مرتضی (ملا محسن فیض کاشانی)، چهارم، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۷ ق.
۷۵. المحاسن، احمد بن خالد برقی، دارالکتب الاسلامیة، قم، ۱۳۷۱ ق.
۷۶. مجازات النبویة، محمد بن حسین موسوی بغدادی (شریف رضی)، اول، دارالحديث، قم، ۱۴۲۲ ق.
۷۷. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، سوم، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۷۸. مجموعه آثار، شهید مرتضی مطهری، اول، صدرا، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۷۹. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، دوم، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۴۰۴ ق.
۸۰. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری طبرسی، اول، مؤسسه آل‌البتی علیهم السلام، قم، بی تا.
۸۱. مسجد و انقلاب اسلامی، رضا شریف پور، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۸۲. مسجد نهاد عبادت و ستاد ولایت، حسن رهبری، دوم، دبیرخانه ستاد عالی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد، ۱۳۸۲ ش.
۸۳. مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، علی بن حسن طبرسی، کتابخانه حیدریه، نجف اشرف، ۱۳۸۵ ق.
۸۴. مصباح الشریعة، منسوب به امام صادق علیه السلام، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۰ ق.

۸۵. المعالم الأثرية في السنة و السيرة، محمد محمد حسن شراب، اول، دارالقلم، بيروت، ۱۴۱۱ق.
۸۶. معالم التنزيل في تفسير القرآن، حسين بن مسعود بغوي، تحقيق: عبدالرزاق المهدي، اول، دار احياء التراث العربي، بيروت، ۱۴۲۰ق.
۸۷. معتصم الشيعة في أحكام الشريعة، محمد بن شاه مرتضى (ملا محسن فيض كاشاني)، تحقيق: مسيح توحيدى، اول، مدرسه علميه شهيد مطهرى، تهران، ۱۴۲۹ق.
۸۸. معجم مقاييس اللغة، احمد بن فارس رازى، تحقيق: عبدالسلام محمد هارون، انتشارات مكتبه مصطفى البابى، مصر، ۱۳۹۰ق.
۸۹. المقنعة، محمد بن محمد بن نعمان (شيخ مفيد)، انتشارات كنگره جهانى شيخ مفيد، قم، ۱۴۱۳ق.
۹۰. مكارم الأخلاق، حسن بن فضل طبرسى، چهارم، انتشارات شريف رضى، قم، ۱۴۱۲ق.
۹۱. مناقب آل أبي طالب، ابن شهر آشوب مازندراني، مؤسسه انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹ق.
۹۲. من لا يحضره الفقيه، محمد بن على ابن بابويه (شيخ صدوق)، انتشارات جامعه مدرسين، قم، ۱۴۱۳ق.
۹۳. الميزان في تفسير القرآن، سيد محمد حسين طباطبائي، پنجم، دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسين حوزه علميه قم، قم، ۱۴۱۷ق.
۹۴. الوافي، محمد بن شاه مرتضى (ملا محسن فيض كاشاني)، اول، مكتبة الإمام أمير المؤمنين على عليه السلام، اصفهان، ۱۴۰۶ق.
۹۵. وسائل الشيعه، محمد بن الحسن حر عاملی، اول، مؤسسه آل البيت عليه السلام، قم، ۱۴۰۹ق.
۹۶. وفاء الوفاء بأخبار دارالمصطفى، نورالدين على بن أحمد السمهودی، اول، دارالكتب العلمية، بيروت، ۲۰۰۶م.
۹۷. هنر معماری در سرزمین های اسلامی، هوگ.ج، ترجمه: پرویز ورجاوند، اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۸ش.
۹۸. یتیمان سرافراز، محمد مهدی فجرى، دوم، انتشارات مهر امیرالمؤمنین عليه السلام، قم، ۱۳۸۷ش.